



ارائه شده توسط:

سایت ترجمه فا

مرجع جدیدترین مقالات ترجمه شده

از نشریات معتبر

# روابط مدیریت، پایداری اجتماعی، شهرت، و عملکرد مالی: بررسی تجربی

## شرکت های ایالات متحده

### چکیده

با وجود شواهد فزاینده از روابط مثبت بین پایداری اجتماعی و عملکرد مالی، نیاز حیاتی ای برای درک این مورد وجود دارد که چگونه سازمان های نوآورانه، پایداری را ادغام می کنند و نظریه را به عمل مرتبط می سازد. تحقیق در این مطالعه از نمونه های شرکت Fortune ۵۰۰ استفاده می کند که به طور همزمان در رتبه بندی سبز Newsweek، The Corporate Knights Global 100، و 100 Best Corporate Citizens، فهرست شده است. تحلیل از این نمونه هدفمند از شرکت های اصلی، رابطه مثبتی بین مدیریت شیوه های پایداری را نشان می دهد که منجر به عملکرد پایداری اجتماعی بهبود یافته و ساختارهای عملکرد مالی شرکت می شود. نتایج این مطالعه منجر به توسعه ی ساختار و موارد می شود که شامل مدیریت پایداری و شیوه های پایداری اجتماعی می باشد در حالیکه روابط را برای اقدامات عملکرد مالی مورد آزمون قرار می دهد. توسعه های بیشتر در این زمینه و فرصت هایی برای تحقیقات آتی شامل آزمون نمونه های بزرگ تر، توسعه و اندازه گیری شیوه های پایداری اجتماعی از منابع ثانویه، مطالعات طولی، و تکامل ماهیت اندازه گیری عملکرد سازمانی می باشد.

**کلمات کلیدی:** عملکرد پایداری اجتماعی، مدیریت پایداری، شهرت پایداری، عملکرد مالی شرکت

### مقدمه

در مدت زمانی نه چندان دور، هیچ بحثی در زمینه ی مدیریت در مورد روابط بین شیوه های محیطی و عملکرد شرکت وجود نداشت. در واقع به عنوان حقیقت پذیرفته می شد که دنبال کردن اهداف پایداری در تضاد با استراتژی تجاری معقول و احتمالاً نقض وظایف وفاداری مدیران نسبت به سهامداران است (Bower & Paine, 2012; Friedman, 1970; Stout, 2017). در واقع، این نوع از بحث با منفعت شیوه های پایداری اجتماعی در حال به وقع پیوستن است. برای اهداف این مطالعه، پایداری اجتماعی شامل انجام تحلیل و ارزیابی اجتماعی

است که شناسایی فرصت های اجتماعی و همینطور کاهش تاثیر و خطرات اجتماعی را مقدور می سازد (توسعه اجتماعی، ۲۰۱۳).

آگاهی متعارف قبلی بر این اصل و اساس بود که هر سرمایه گذاری ای در عملکرد زیست محیطی بهبود یافته می تواند منجر به مشکلاتی مانند افزایش زمان انجام کار، کاهش کیفیت یا افزایش هزینه ها شود- که همه ی آن ها سود و درآمد سهامداران را کاهش می دهد (walley و Whitehead، ۱۹۹۴). با این وجود، Michael Porter در دانشگاه هاروارد این باورها را به چالش کشیده است و بحثی را آغاز کرده است که بر "استراتژی سبز آمریکا" متمرکز می باشد. این بحث، باعث افزایش علاقه ی نظری و عملی در این احتمال شده است که سودآوری و پایداری اهداف متقابل منحصر نیستند. در نهایت، این منجر به تغییر چشمگیری در نگرش تولید کنندگان به سمت الگوی مدیریتی جدید می شود که شیوه های مدیریت زیست محیطی را ممکن می سازد (Porter, 1991). اکنون این بحث فراتر از شیوه های زیست محیطی است و در شیوه های پایداری اجتماعی ظاهر شده است.

طبق نظر Porter، آلودگی صرفا زباله است و سازمان هایی که در شیوه های زیست محیطی سرمایه گذاری می کنند تا زباله را کاهش دهند، عملکرد بهتر خواهند داشت. در نتیجه، تغییر اصلی در دیدگاه مدیریت در مورد زباله، نیاز برای کاهش آلودگی و مدیریت زیست محیطی بهتر بوجود آمده است. به دنبال همین منطق، شیوه های مدیریت اجتماعی فرصت های جدید برای کاهش زباله در محل کار را فراهم می کند. این شیوه های اجتماعی در مدیریت و افشا فرصت جدیدی برای تحقیق فراهم می کند. تحقیق ارائه شده در این مطالعه سعی در درک الگوی پایداری در حال تکامل دارد. در انجام این کار، سعی داریم فرهنگ سازمانی و فرصت هایی برای مشارکت کارگران را درک کنیم تا عملکرد اجتماعی و شهرت سازمان را افزایش دهیم. کلید درک این روابط می تواند با توجه به دشواری ها در اندازه گیری شیوه های اجتماعی ناپایدار باشد.

با سوال های مداوم در مورد روابط بین شیوه های اجتماعی و عملکرد مالی، حوزه ی فزاینده ای از تحقیقات در توسعه ی اندازه گیری عملکرد پایداری اجتماعی نشات می گیرد. اثبات بین المللی متمرکز بر تعریف و عملیاتی سازی عملکرد اجتماعی می تواند در سازمان های بین المللی استنادها (ISO) گزارش کار بر مسئولیت اجتماعی (ISO, 2004) و انتشار ۲۶۰۰۰ مجموعه استاندارد مجوز برای مسئولیت اجتماعی یافت شود. ISO

26000 رهنمودهایی در این مورد بوجود می آورد، که چگونه سازمان ها و تجارت ها می توانند در روشی اجتماعی عمل کنند. این به معنی عمل کردن در روش اخلاقی و آشکار می باشد که منجر به سلامتی و رفاه جامعه می شود. تصدیق های دیگر از اهمیت عملکرد اجتماعی در پذیرش و شناخت فزاینده ی GRI به عنوان استاندارد برای اندازه گیری و گزارش شیوه های اجتماعی می باشد که شامل گزارش های پایداری از شرکت ها در ۱۰۰۰۰ شرکت می شود که با استفاده از GRI و بیش از ۲۷۰۰۰ گزارش عمومی می باشد (GRI, 2017). با پیش بینی نوید مزایای خاص، GRI و ISO به مدتی طولانی مورد پذیرش بین المللی بوده اند. نخست، این مجموعه از استانداردهای ISO مرحله ی منطقی بعدی به سمت رابطه ی بهبود کیفیت و عملکرد شرکت (Adam و همکاران ۱۹۹۷)، موفقیت های استاندارد کیفیت ISO9000 و متغیرهای صنعت خودکار QS9000 می باشد (Caillibot, 1999; Corbett% Kirsch, 2001; Miles & Russel, 1997; Reid, 1999). این توسط ISO ۱۴۰۰۰ موفقیت استاندارد مدیریت زیست محیطی و روابط عملکرد شرکت می باشد (

Anwar, 2000; Sroufe, 2003; Albuquerque, Bronnenberg, & Corbett, 2007; Curkovic & Sroufe, 2011; Darnall, Jolley, & Handfield, 2008). دوم، ISO

26000 مکمل معیارهای موجود در GRI است. سوم، این اندازه گیری و استانداردهای گزارش بر فرآیندهایی متمرکز است که در ایجاد و مدیریت انواع جدیدی از شیوه های داخلی دخیل می باشد. اساساً، ISO و GRI به عنوان ابزار موثر برای راهنمایی و هدایت مدیران در تلاش هایشان برای سرمایه گذاری بر ایجاد ارزش های مشترک از شیوه های داخلی می باشد. در نهایت، حامیان این چارچوب های اندازه گیری و گزارش را به دلیل تمرکزشان بر نقش اساسی که توسط مدیریت و اندازه گیری در عملکرد کلی شرکت ایفا کردند، مورد پشتیبانی قرار می دهند.

توسعه ی مداوم از پایداری اجتماعی در تکامل چارچوب مرحله طبیعی برای پایداری راهبردی می باشد که اکنون شامل هشت اصل پایداری است که پنج مورد از این ها بر پایداری اجتماعی متمرکز هستند (Robert & Broman, ۲۰۱۷). در حالیکه این استانداردها و چارچوب ها به راهنمایی شیوه ها و موارد راهبردی کمک کرده اند، دشواری قابل توجهی برای محققین در اندازه گیری این سه شیوه وجود دارد زمانی که در جمع آوری داده های اولیه و تحقیقات زمینه ای دخیل نیستند.

مدیریت شیوه های پایدار موضوع مورد علاقه ی محققان، متخصصین و عموم است. Brundtland (۱۹۸۷) مدعی شد که پایداری اجتماعی نمی تواند از پایداری زیست محیطی جدا شود (DesJardins, 2016). در مقابل فضای بحث در مورد گسترش معنای پایداری اجتماعی، تحقیقات اخیر روابط جزئی بین عملکرد اجتماعی و عملکرد مالی را نشان داده اند. چنین مطالعاتی رابطه ی مثبتی بین شیوه های مسئولیت اجتماعی شرکت (CSR) و عملکرد مالی ایجاد کرده است (Flammer, 2015; Saeidi, Sofan, Saeidi, Saeidi, & Saeidi, 2015; Yilmaz, 2016)، اما فرصت های اندازه گیری پایداری اجتماعی جدید و نقض شهرت را هنگام بررسی روابط در نظر نگرفته است. دیگران به این مورد نگرینسته اند که چگونه سهام با توجه به عملکرد اجتماعی عمل می کند (Borgers, Derwall, Koedijk, & Ter Horst, 2015; Luo, Wang, Raithel, & Zheng, 2015). Murrell و Zhao (۲۰۱۶) رابطه بین عملکرد اجتماعی و عملکرد مالی را دوباره بررسی کردند و مطالعه ی Waddock و Graves (۱۹۹۷) را تکرار کردند و دریافتند که نتایج جامع نیست تا از این بحث پشتیبانی کنند "خوب کار کردن منجر به نتیجه خوب می شود". این نویسندگان خواستار بررسی رابطه با نمونه های متفاوت هستند. در ارزیابی این روابط، Hasan Kobeissi, Liu, Wang (۲۰۱۶) به تاثیر واسطه ای سودآوری در رابطه بین عملکرد اجتماعی و عملکرد مالی نگرینسته اند. تحقیق در حوزه ی پایداری محدود به محققان مدیریتی نیست. مطالعات در زمینه مالی، روابط بین عملکرد اجتماعی و عملکرد شرکت با توجه به عملکرد سهام را مورد توجه قرار داده است. اکثر آن ها به نقش مدیریت پایداری و ساختارهای شهرت توجه نمی کنند. Utz, Dorfleitner و Wimmer (۲۰۱۳) به عملکرد بلندمدت سهام ها با توجه به عملکرد اجتماعی اندازه گیری شده توسط امتیازات زیست محیطی، اجتماعی و رهبری (ESG) پرداخته اند و ابعاد ESG را نشان دادند. آن ها دریافتند که تفاوت معناداری در رابطه بین عملکرد اجتماعی و مالی با توجه به سهام متفاوت وجود دارد. اوراق بهادار سهام اروپا و آمریکای شمالی با امتیازات ESG بالا در بلند مدت بهتر عمل می کند به استثنای ابعاد رهبری و اوراق بهادار سهام اروپایی. در منطقه آسیا، آن ها سود بلند مدت مثبتی با توجه به امتیازات اجتماعی مشاهده کردند. با نگرینستن به امتیازات محیطی و رهبری، تفاوت در عملکرد به طور معناداری کم است.

کارهای دیگر در امور مالی به امتیازات سبز، CSR و بهره وری اقتصادی پرداخته اند. کار توسط Prober, Meric و Meric (۲۰۱۵) به تاثیر امتیازات سبز Newsweek و قیمت سهام نگرینسته است. جالب توجه بود

که آن‌ها دریافتند امتیاز سبز یک شرکت بر اساس بازتعیین نمی‌شود و هیچ ارتباطی بین تغییر در سود سهام و امتیازات سبز وجود ندارد. Deng, Kang, Low (۲۰۱۳) دریافتند که با توجه به کمپانی‌های CSR کم، کمپانی‌های CSR بالا سود بالاتر، و افزایش بالاتری در عملکرد عملیاتی بلند مدت پس از ادغام بدست می‌آورند. بعلاوه، Guenster, Bauer, Derwall, Koedijk در ۲۰۱۱ مطالعه‌شان امتیازات بهره‌وری اقتصادی و عملکرد مالی را در اواخر دهه ۱۹۹۰ و اوایل ۲۰۰۰ مرتبط ساختند و دریافتند که رابطه مثبتی از امتیازات بهره‌وری اقتصادی با عملکرد عملیاتی و ارزش بازار وجود دارد.

این بررسی مختصر در مورد کار در حوزه‌ی مالی، جنبه مهمی از انجام این نوع تحقیق یعنی اهمیت استخراج از میان چندین منبع را نشان می‌دهد تا این پدیده در حال تکامل و رابطه‌اش با عملکرد را درک کند. Jick (۱۹۷۹) اشاره کرد که درستی قضاوت‌ها در مورد یک پدیده زمانی بهبود می‌یابد که محققان بر اساس یافته‌ها از منابع متفاوت استنتاج کنند. در این مطالعه، سعی داریم هم کارهای قبلی را بسط دهیم و هم رویکردمان را در بررسی پرسش‌های تحقیقاتی متعدد با نمونه هدفمند از شرکت‌ها و ارزیابی روابط عملکرد در حال ظهور متمایز کنیم. این منحصر به فرد بودن مطالعه و فرصت‌ها برای مشارکت در این زمینه‌ی تحقیقاتی به پرسش‌های کلی در این مورد می‌پردازد که چگونه می‌توانیم ابعاد متعدد پایداری را عملیاتی کنیم و آیا عملکرد اجتماعی به وعده‌های داده شده از جانب آن مرتبط است؟ عملکرد اجتماعی مرتبط با آن می‌باشد؟

پرسش‌های تحقیقاتی کنونی تا حدودی شامل شیوه‌های پایداری درونی و شیوه‌های بیرونی در زنجیره تامین می‌شود که به عملکرد شرکت کمک می‌کند. اکنون نیاز اساسی‌ای برای درک نقش و تاثیرات شیوه‌های اجتماعی وجود دارد. به این دلیل، مطالعه ما به سه پرسش خاص اشاره می‌کند در حالیکه شیوه‌های پایداری درونی شرکت‌های چندملیتی بزرگ را بررسی می‌کند که برای موقعیت‌های رهبری در شیوه‌های پایداری شناخته شده است.

۱. چه شیوه‌ها و متغیرهایی نشان دهنده ساختارها برای مدیریت پایداری، عملکرد پایداری اجتماعی و شهرت پایداری وجود دارد؟
۲. چگونه حضور این ساختارها عملکرد مالی شرکت را تحت تاثیر قرار می‌دهد؟
۳. از شرکت‌هایی با این شیوه‌ها و روابط پیچیده چه چیزی را می‌توان آموخت؟

ما این سوالات را بررسی می کنیم در حالیکه به طور همزمان چندین رابطه بین این شیوه ها و متغیرهای عملکرد مالی را نیز بررسی می کنیم. سازمان دهی باقی مقاله به این صورت است. با مروری بر ادبیات پیشینه آغاز می کنیم که نشان دهنده ی اهمیت شیوه های پایداری اجتماعی در سازمان ها به همراه روابط با عملکرد مالی است. سپس نظریه و شواهدمان از ادبیات را به کار می بریم تا مدل ساختاری با فرضیات را ارائه دهیم تا روابط پیشنهادی در این مدل را بررسی کنیم. سپس، روش تحقیق و تحلیل به همراه بحث در مورد نتایج را توصیف می کنیم. مقاله با ارائه ی پیامدهایی برای مدیران و فرصت هایی برای تحقیقات آینده نتیجه گیری می کند.

### ادبیات پیشینه

پایداری اجتماعی شامل انجام تحلیل و ارزیابی اجتماعی است که شناسایی فرصت های اجتماعی و همینطور کاهش تاثیر و خطرات اجتماعی را مقدر می سازد (توسعه اجتماعی، ۲۰۱۳). برای هدف این مطالعه، این تعریف را با بینشی از McKenzie (۲۰۰۴) ایجاد کردیم، تا عملکرد پایداری اجتماعی را به عنوان تاثیرات اجتماعی شیوه ها و سیاست های پایداری اجتماعی سازمان و مقیاس رشد و توسعه تعریف کنیم که شرایط موجود در سازمان ها را افزایش می دهد تا اهداف اجتماعی بسیاری برای سازمان بدست آید. به عنوان پاسخی به انتظارات در حال رشد از سازمان ها در ابعاد مختلف عملکرد اجتماعی جدا از تضمین سودآوری در نظر گرفته می شود (Matten, Moon, 2008; Sahrma & Henriques, 2005).

روابط بین عملکرد پایداری اجتماعی و عملکرد مالی که به عنوان مسئولیت اجتماعی خاص توصیف می شود (Jorgensen & Knudsen, 2006) نشان دهنده ی یکی از موارد مورد سوال در مورد شیوه های تجاری پایداری است (Angelidis, Massetti, & Magee-Egan, 2008; Schrettle, Hinz, Scherrer-Rathje, & Friedli, 2014). اگرچه محققان پیشین رابطه مثبتی بین عملکرد اجتماعی و مالی را پیشنهاد کردند (R. A. Johnson & Greening, 1999; Kouikoglou & Phillis, 2011; Orlitzky, Schmidt, & Rynes, 2003). ارتباط پایداری اجتماعی و عملکرد مالی به طور کامل توسعه نیافته است (Mackey, Mackey, & Barney, 2007; Neville, Bell, & Mengüç, 2005; Park & Lee, 2009; Prado-Lorenzo, Gallego-Alvarez, García-Sánchez, & Rodríguez-Dominguez, 2008] بسیاری از عوامل مانند بازار کوتاه مدت و محیط های سازمانی درونی تحت تاثیر فقدان مشارکت اخلاقی و عدم توانایی هستند که می تواند مانع سرمایه گذاری پایداری شود (Juravle & Lewis, 2009). مکانیزم هایی که از طریق

آن عملکرد شرکت (بازده دارایی (ROA)، بازده بر سرمایه (ROI) و حاشیه سود خالص (NPM) توسط ابتکارات پایداری اجتماعی تحت تاثیر قرار می گیرد یعنی شیوه ها و سیاست های پایداری اجتماعی که به خوبی درک نمی شود (Doh, Howton, Howton & Siegel, 2010).

ابتکارات پایداری و بحث های متعاقب از موقعیت های برد-برد اغلب مزایای اجتماعی را نادیده می گیرند و بر مزایای اقتصادی و زیست محیطی متمرکز اند (Littig & Griessler, 2005; Simola, 2012). ابتکارات پایداری در شرکت بر اساس رفاه اقتصادی، مسئولیت پذیری زیست محیطی و عدالت اجتماعی است. این معمولا به عنوان خط مبنای سه گانه نامیده می شود. با بکارگیری همین منطق، سازمان می تواند پایدارتر باشد تنها اگر برای ایمن کردن و بهبود رقابتش قدم بردارد اگر تلاش هایش شامل جنبه های اجتماعی پایداری باشد. محققان اخیر، به ندرت به پایداری اجتماعی و تاثیرش بر عملکرد شرکت توجه کردند. این نادیده گرفتن شیوه های پایداری اجتماعی به عنوان برنامه های مدیریتی و استانداردهایی در حال تغییر است و بنیادی برای اندازه گیری در راستای شناخت شیوه ها توسط پاداش ها، شاخص ها و رتبه بندی بین المللی فراهم می شود.

#### ارتباط پایداری اجتماعی در شرکت

پایداری اجتماعی بخشی از مدیریت بوده است. به منظور بهبود عملکرد مالی، سازمان ها اقدامات پایداری اجتماعی را در برنامه های مدیریت اجتماعی شان در بر می گیرند. اشاره شده است که برنامه ۱۴ موردی Deming بر بهبود کیفیت از طریق شیوه های پایداری اجتماعی متمرکز بوده است (Wicks, 2001). اگر به همه ی اقدامات بنگرید تا کیفیت و عملکرد مالی پیشنهاد شده توسط برنامه کیفیت ملی Baldridge (۲۰۰۹) را بهبود بخشید، ۱۵٪ اقدامات پایداری اجتماعی است (Pullman, Maloni & Carter, 2009).

مطالعات پایداری اجتماعی پیشین از اهداف اجتماعی استفاده کرده است، یعنی اینکه چگونه کمپانی ها با توجه به مسائل شهروندی، بشردوستانه، قانونی، جبران اشتغال، سلامت انسان و مسائل ایمنی عمل می کند (Carroll 1994, 1998, 1999; Kleindorfer, Singhal, & Wassenhove, 2005; Rajak & Vinodh, 2015; Seuring, 2004) تا عملکرد پایداری اجتماعی را اندازه گیری کند. برنامه محیطی ملل متحده با جامعه زیست محیطی Toxicology و شیمی همکاری کرده است تا ابزارهایی را توسعه دهد که می تواند در دست یابی به توسعه پایدار مفید باشد. ابزارهای توسعه یافته توسط همکاری ها به ارزیابی فرصت ها، خطرات، و تبادل مرتبط به محصولات و خدمات در کل



چرخه زندگی کمک می کند (چرخه زندگی ملل متحد ۲۰۰۱). این همکاری نشان دهنده ی توجهات بیشتر است که باید بر ابعاد اخلاقی و اجتماعی پایداری متمرکز است.

Willard (۲۰۰۵) استدلال کرد که فشار برای مسئولیت اجتماعی از مصرف کنندگان سبز، سازمان های دولتی و غیردولتی تمرکز محققان بر عملکرد پایداری اجتماعی کمپانی ها را هم در کشورهای در حال توسعه و هم توسعه یافته افزایش می دهد. با معرفی اخیر برنامه ی رهبری پایداری سازمانی، سازمان جهانی UN در حال سرمایه گذاری سهم منصفانه خود از منابع برای تشویق عملکرد پایداری اجتماعی شرکت ها می باشد و این در اهداف توسعه پایدار UN قابل مشاهده است. حتی با حرکت جهانی به سمت در نظر گرفتن شیوه های اجتماعی حین اجرای تحلیل پایداری، جامعه تجارت به ابعاد اجتماعی پایداری اهمیت برابر نمی دهد همانند مزایای اقتصادی. این ممکن است به دلیل مزایای اجتماعی و اخلاقی باشد که زیاد ملموس نیست. دیگر محققان به دنبال ادغام توجهات منابع انسانی در تحلیل چرخه زندگی موجود هستند. رابطه در اینجا بهبود عملکرد اجتماعی درونی توسط در بر گرفتن عوامل سیاسی و اجتماعی، ارتقا سلامت انسان، به همراه کرامت انسانی و تحقق نیازهای اساسی می باشد.

پایداری اجتماعی می تواند به شناسایی، ارزش گذاری، و ارتقا قابلیت کارمندان با سیاست ها و شیوه های مناسب در سازمان ها مرتبط باشند (Daily & Huang, 2001; Wilkinson, Hill & Gollen, 2001). شیوه های پایداری اجتماعی نه تنها بر ارتباطات درونی بلکه بر اجتماعات درونی و بیرونی متمرکز است. شیوه ها شامل فراهم آوردن فرصت های مناسب، تضمین کیفیت زندگی، تشویق تنوع، فراهم آوردن فرآیند جمعیت شناختی، و ساختار رهبری قابل قبول می باشد. Richardson & Welker (۲۰۰۱) دریافتند که افشای اجتماعی به طور مثبت هزینه ی سرمایه برابر را تحت تاثیر قرار می دهد. آن ها عملکرد اجتماعی را در قالب افشا اجتماعی اندازه گیری کردند و استدلال کردند که افشا اجتماعی به عنوان مقیاس عملکرد پایداری اجتماعی به همان روشی عمل می کند که افشا اجتماعی عمل می کند. Epstein (۲۰۰۴) نیز افشا اجتماعی را به عنوان مقیاس عملکرد اجتماعی مورد استفاده قرار داد.

**عملکرد پایداری اجتماعی**

در سال ۲۰۰۹، Bloomberg داده های ESG را به اطلاعاتی افزود که هزاران کمپانی عمومی را پوشش داد (Eccles & Saltzman, 2011). برای منظور این مطالعه، از سال های اخیر امتیاز افشای اجتماعی Bloomberg و امتیاز افشار رهبری به عنوان پروکسی عملکرد پایداری اجتماعی استفاده کرد. آغاز گزارش ادغام شده، به همراه استانداردهای ISO برای پایداری اجتماعی می باشد و Bloomberg اطلاعات مالی و غیرمالی در یک مکان را فراهم کرد که کاتالیزری برای چندین عامل این مطالعه است. Cochran و Wood (۱۹۸۴) همچنین از مقیاس های افشا اجتماعی استفاده کردند و دریافتند که همبستگی مثبتی بین افشا اجتماعی و دو مورد از سه مقیاس عملکرد اقتصادی وجود دارد. امتیاز افشا اجتماعی از Bloomberg بویژه عملکرد را با توجه به سیاست ها و شیوه های پایداری ارزیابی کرد (KPI شامل تنوع، جنسیت، اقلیت، نرخ تصادف، رویداد، امنیت، و بسط های شیوه های اجتماعی برای زنجیره تامین) که درون سازمان ها می باشد (سرمایه ماجرا جویانه، ۲۰۱۴). این را به عنوان ابزار سنجیده برای استفاده در این مطالعه پیشنهاد کردیم. ویژگی مهم دیگر برای ارزیابی مقدار شیوه های پایداری اجتماعی به عنوان مقیاس پایداری اجتماعی می باشد.

توافق فزاینده ای در میان شرکت های بزرگ وجود دارد که عملکرد رهبری و پایداری اجتماعی نه تنها مورد انتظار است بلکه ارزشی برای تجارت می باشد (Klettner, Clarke, Boersma, ۲۰۱۴). استفاده از امتیاز افشا رهبری به عنوان مقیاس عملکرد پایداری اجتماعی از ایده هایی نشأت می گیرد که به رهبری در انتقال شرکت به شرکت اجتماعی پایدار کمک می کند. نویسندگان مشاهده کردند که رهبری در بهبود پایداری سازمانی در سازمان ها توسط دارایی های غیرقابل ملموس فزاینده مانند مهارت های مدیریتی، شهرت، سرمایه انسانی/عقلانی و توانایی کار کردن به صورت مشارکتی با سهامدارن نقشی ایفا می کند. Khan, Muttakin, Siddiqui (۲۰۱۳) دریافتند که ویژگی های رهبری شرکت نقش اساسی ای در تضمین قانون سازمانی و عملکرد اجتماعی ایفا می کند در حالیکه روابط بین رهبری و میزان افشا در گزارش سالیانه در کمپانی های بنگلادشی را بررسی می کنند. بعلاوه، Belal و Roberts (۲۰۱۰) مشاهده کردند که کمپانی هایی که مرتکب عملکرد پایداری اجتماعی می شوند افشا رهبری بیشتری را نسبت به آن هایی دارند که کمتر به عملکرد پایداری اجتماعی مرتکب می شوند. این عملکرد توسعه یافته می تواند به مدیریت اخلاقی نسبت داده شود که مکانیزم رهبری شرکت مانند استقلال هیئت مدیره و کمیته حسابرسی و ابتکارات CSR برای عملکرد اجتماعی بالاتر با

افشا بالاتر می باشد. امتیاز رهبری به عنوان مقیاس عملکرد پایداری اجتماعی می تواند به منطق رهبری نسبت داده شود که نتایج رهبری در همکاری اجتماعی بهتر، فرآیندهای مشارکت چندین سهامدار و ارزیابی تاثیر باشد (Muthuri, Moon, Idemudia, 2012). به منظور دریافت عملکرد پایداری اجتماعی از مقیاس های موجود در سازمان، از افشا رهبری ESG در Bloomberg استفاده می کنیم (KPI شامل اندازه گیری های ساختار هیئت مدیره، تنوع، جنسیت، استقلال، جنسیت مدیر عامل، تنوع اجرایی، ترکیب کمیته، و حقوق سهامدار است) که از Bloomberg جمع آوری شده است. بنابراین، ساختار عملکرد پایداری اجتماعی بر دو مقیاس Bloomberg منعکس می شود: امتیاز افشا رهبری و امتیاز افشا اجتماعی. معتقدیم که رهبری و افشا اجتماعی به ساختار پایداری اجتماعی جدید برای سازمان ها منطبق با پیشنهاد مطرح شده توسط ابتکارات چرخه زندگی ملل متحد (۲۰۰۱) است که بر ابعاد اخلاقی و اجتماعی پایداری برای اندازه گیری عملکرد پایداری اجتماعی متمرکز است.

### مدیریت پایداری

سیاره و جامعه ما شاهد تغییرات سازمانی بوده اند که به صورت منفی بر آینده پایدار تاثیر می گذارد. Shrivastava (۱۹۹۵) دریافت که مشکلات مرتبط با شیوه های سازمانی به طور معناداری افزایش یافته است و استدلال کرده اند که مدیریت فزاینده شیوه های پایداری در سازمان ها منجر به دستیابی به توسعه پایدار می شود. بدین منظور، Sroufe (۲۰۱۷) خواستار ادغام مدیریت پایدار به تصمیم گیری و ایجاد ارزش با رویکردهای همگرا برای پایداری، اهداف و خط مبنای ادغام شده (IBL) شده است. این ها به نوبه خود مدیریت تغییر و عملکرد بهبود یافته را ممکن می سازد.

به منظور سعی در ضبط مدیریت پایدار، ابتدا به مدیریت پایداری اجتماعی KPI از Bloomberg و دیگر منابع نگرسیستم. ساختارهای موجود را نیافتیم. این ما را وادار کرده است که مقیاس های مدیریت پایدار را برای استفاده در این مطالعه مورد استفاده قرار دهیم. از دو مقیاس مدیریت پایدار از رتبه بندی سبز Newsweek به نام مدیریت زیست محیطی و سیاست سبز به عنوان پروکسی برای اندازه گیری مدیریت شیوه های پایداری استفاده کردیم. این امتیاز مدیریت زیست محیطی ارزیابی ای از این مورد است که چگونه کمپانی شیوه هایش را از طریق برنامه، هدف، گواهینامه و موارد این چنین مدیریت می کند. برای در نظر گرفتن اقدامات زیست

محیطی کلی کمپانی، Ssustainability (کسانی که با Newsweek برای انجام رتبه بندی همکاری کردند) بر حوزه های متمایز تاثیر متمرکز می شوند: عملیات کمپانی، پیمانکاران، تامین کنندگان به همراه محصولات و خدمات. تحلیل معیار عملکرد مثبت توسط در بر گرفتن ارزیابی جزئی از اختلافات و رویدادها مقابله می شود که اغلب نشان دهنده ی میزانی است که سیستم های مدیریت به طور موثر اجرا می گردند.

برنامه ریزی جامع برای مدیریت پایداری نیازمند وجود سیاست های سبز در سازمان هاست. این سیاست ها و توانایی برای جلوگیری از جریمه با سیاست های سبز نشانگر تعهد به پایداری و سودآوری مداوم است ( R.A Johnson & Greening 1999). به این منظور، از امتیاز سیاست های سبز از رتبه بندی Newsweek به عنوان دومین مقیاس منعکس کننده مدیریت پایداری استفاده کردیم. محاسبه ی امتیاز سیاست های سبز بر اساس مقیاس های پایداری توسعه یافته توسط سرمایه گذاری اجتماعی از تحقیق و تحلیل KLD می باشد (Lyon & Shimshack 2012). شاخص KLD یکی از مورد استفاده ترین منابع برای ارزیابی رابطه بین عملکرد اجتماعی و عملکرد مالی است ( Jayachandran, Kalaignanam, Eilert, 2013; Monteril & Delgado-Ceballos, 2014). امتیاز سیاست سبز مقیاس های مدیریت پایدار مانند مدیریت پایدار فعال، سیاست ها و عملکرد تغییر اقلیم، سیاست ها و عملکرد آلودگی، و تاثیرات محصولات نسبت به دیگران در یک صنعت را بدست می آورد. باز هم، اتخاذ رویکرد اقتصادی برای ایجاد توسعه، مدیریت پایدار در دو مقیاس منعکس می شود: امتیاز مدیریت زیست محیطی و امتیاز سیاست های سبز.

### شهرت پایداری شرکت

Wiley و Zald (۱۹۶۸) استدلال کردند که شهرت تصویری مطلوب برای سازمان ها ایجاد می کند و به جمع آوری منابع و بقا کمک می کند. Rao (۱۹۹۴) مشاهده کرد که شهرت پیامد فرآیند قانونی است. طبق دیدگاه مبتنی بر منابع، منابع غیرملموس مانند شهرت به طور معناداری منجر به عملکرد شرکت می شود زیرا آن ها نادر، بی نظیر، غیرقابل تعویض و با ارزش هستند. تایید توسط سازمان های بیرونی، سازمان را در سلسله مراتبی تعبیه می کند. این تفاوت در وضعیت منجر به سطوح متفاوتی از شهرت برای سازمان می شود. شخص ثالث، مانند جوامع حرفه ای، حسابرس ها، آژانس های رتبه بندی و تنظیم کننده های دولت از سازمان پشتیبانی می کنند. در این مطالعه، از مقیاس های رتبه بندی سبز Newsweek یعنی شهرت و امتیاز سبز به عنوان نشان

دهنده ی شهرت پایداری سطح شرکت استفاده کردیم. نظرسنجی های CorporateRegister.com از حرفه ای های CSR، دانشگاهی ها، کارشناسان زیست محیطی و مدیران صنایع است و به عنوان نشانگر شهرت پایداری مورد استفاده قرار گرفت. امتیازهای شهرت نشان دهنده ی درک متعدد در مورد یک شرکت است مانند اینکه آیا شرکت رهبر یا بازدارنده در بخش در مورد عملکرد پایداری، تعهد و ارتباطات مرتبط با دیگران در همان صنعت است. محاسبه امتیاز سبز از سه امتیاز مولفه: امتیاز تاثیر زیست محیطی، امتیاز مدیریت زیست محیطی و امتیاز افشا زیست محیطی که به ترتیب ۴۵٪، ۴۵٪ و ۱۰٪ می باشد. این ساختار پایداری نشان دهنده ی این است که چگونه سازمان های خارجی شهرت زیست محیطی و اجتماعی را نسبت به دیگر شرکت ها درک می کنند.

### عملکرد مالی شرکت

McGuire، Sundgren و Schneeweis (۱۹۸۸) از ROA، دارایی های کلی، رشد فروش، رشد دارایی، و عملیات رشد درآمد استفاده کردند تا عملکرد اجتماعی را با عملکرد مالی مقایسه کنند. Pretson و O'Bannon (۱۹۹۷) همچنین از نشانگر های مالی سنتی ROA، ROI و بازده بر برابر استفاده کردند تا نشانگرهای اجتماعی شرکت و عملکرد مالی را مقایسه کنند و همبستگی مثبت قوی ای در شکل گیری رویکرد تعجیل و تاخیر یافتند. از نشانگرهای مالی سنتی ROI، ROA، NPM برای گرفتن رابطه عملکرد مالی استفاده کرده ایم (Gallego-Álvarez, Segura, & Martínez-Ferrero, 2014; McGuire et al., 1988; Preston & O'Bannon, 1997; Vickery, Jayaram, Droge, & Calantone, 2003). این رویکرد سنتی را به عنوان پروکسی برای عملکرد شرکت در نظر می گیریم، اما با فراخوانی مقیاس اندازه گیری جامع در آینده برای بدست آوردن شاخص های غیرمالی عملکرد از آن بهره می بریم. مقیاس ها می توانند شامل میزان گزارش GRI شرکت، رتبه بندی، و امتیازدهی در شاخص های صنعت، به همراه ارزش زیست محیطی و ارزش اجتماعی است که توسط سازمان ها ایجاد شده است که فراتر از داده های مالی سنتی می شود.

### فرضیه ها

سهامداران به طور مداوم از شرکت ها می خواهند تا اطلاعات بیشتری در این مورد فراهم کنند که آن ها چگونه مسائل پایداری را مدیریت و شناسایی می کنند. یک تصمیم مدیریتی یکباره نیست و نیازمند ارزیابی مداوم و شیوه های پایداری مدیریت است. Epstein و Roy (۲۰۰۱) استدلال کردند که توسط "شناسایی و بیان محرک

های عملکرد اجتماعی و اندازه گیری و مدیریت اثرات گسترده ی عملکردهای خوب و بد بر سهامداران متعدد شرکت"، مدیران باید سهم بسیاری در کمپانی و جامعه شان داشته باشند (صفحه ۵۸۵). آن ها چارچوبی با سیستم ها، ساختارها و مقیاس های دقیق برای مدیریت پایداری پیشنهاد کردند که برای تغییر فرهنگ و فرآیندهای سازمانی لازم است که می تواند به صورت مثبت بر پایداری اجتماعی و عملکرد مالی تاثیر گذارد.

چارچوب های پایداری اجتماعی و مقیاس های آن برای اندازه گیری پایداری، مدیریت برای موفقیت و بهبود عملکرد مفید هستند. بسیاری از سازمان ها پایداری را به مدیرانی اهدا کرده اند که نیازمند دانش و ابزارهایی برای ایجاد سیستم مدیریت اجتماعی راهبردی اند. هدف این ابزارها کمک به اندازه گیری و گزارش ارزش ایجاد شده از طریق مدیریت سهامداران موثر و بهبود عملکرد پایداری اجتماعی است. هم برنامه کیفیت ملی Baldridge (۲۰۰۹) و هم برنامه Deming (۱۹۸۶) شامل مقیاس های مدیریت پایدار است که بر بهبود عملکرد پایداری اجتماعی از کمپانی ها متمرکز است که این برنامه ها را اجرا می کنند. شیوه های مدیریت پایدار باید عملکرد پایداری اجتماعی را در کمپانی ها بهبود بخشد. بنابراین، فرض می کنیم:

**فرضیه ۱a:** مدیریت پایداری رابطه مستقیم مثبتی با عملکرد پایداری اجتماعی دارد.

Schaltegger و Synnestvedt (۲۰۰۲) پیشنهاد کردند که نه تنها سطح عملکرد پایداری بلکه نوع مدیریت پایداری، پیامد مالی سازمان ها را تحت تاثیر قرار می دهد. Figge, Hahn, Schaltegger و Wagner (۲۰۰۲) پیشنهاد کردند که مدیریت پایداری با امتیاز متوازن ممکن است به ادغام سه ستون پایداری در یک ابزار مدیریت راهبردی کمک کند که تاثیرات موثر ساختار اقتصادی، جنبه های اجتماعی مانند رضایت کارگران، استخدام، حفظ را بهبود می بخشد و منجر به کاهش نزاع میان شرکتی بین عملکردها و اهداف سازمان های مختلف، سهامداران داخلی، سهامداران و مدیران می شود. همچنین می تواند منجر به عملکرد مالی بهتر شود. این عملکرد مالی بهبود یافته از مدیریت پایدار می تواند منجر به تصویر، فروش و فرصت های بازار جدید شود. بنابراین، فرض می کنیم،

**فرضیه 1b:** مدیریت پایداری رابطه مستقیم مثبتی با عملکرد مالی شرکت دارد.

سازمان ها مدیریت پایدار را اتخاذ می کنند تا تقاضاها و انتظارات جامعه را بررسی کنند. شهرت می تواند به عنوان منابع ناملموس یا پیامد تاثیر ایجاد شده اجتماعی مشترک از شرکت مشاهده شود (Fomburn & Van

Riek, 1997, Scott & Walsham, 2005). متخصصین مدیریت شهرت و شواهدش مانند شهرت پایداری همیشه سعی در سرمایه گذاری بر شهرت دارند که خدمات و محصولات برای شرکت را نشان می دهد. به همین دلیل، مدیریت پایداری و رابطه اش با شهرت باید مورد توجه قرار گیرد. Bebbington, Larrianga, Moneva (۲۰۰۸) استدلال کردند که

مدیریت کیفیت خوب باید توانایی شناسایی چالش های کنونی و آتی را در عملیات موفقیت آمیز نهادها داشته باشد (شامل کارمندان، چالش های جامعه و زیست محیطی) و تضمین بخشد که سازمان به خوبی در رابطه با این چالش ها قرار می گیرند (صفحه ۳۴۹).

شهرت منبع شکننده ای است، ایجاد شدن آن زمان بر است، نمی تواند خریداری شود و می تواند به سادگی خدشه دار گردد (Hall, 1993; صفحه ۶۱۶). سرمایه شهرتی از سازمان از تعاملات هر روز بین سازمان ها و سهامدارانشان با خطرات از بسیاری از منابع می باشد برای مثال موارد راهبردی، عملیاتی، و مالی. بنابراین، مدیریت ابتکارات پایداری در سازمان ها بسیار مهم می شود. تحقیقات پیشین در مورد مدیریت و شهرت نشان دهنده ی رابطه مثبت بین دو مورد است. نظرسنجی Elkington و Kuszewski (۲۰۰۲) از گزارش پایداری شرکت نشان دهنده ی مدیریت شیوه های پایداری است که نقش مهمی در بدست آوردن برند، شهرت و گزارش دارد. بعلاوه، رهنمود های GRI نیز نشان دهنده ی نقش مدیریت شیوه های پایداری در ایجاد شهرت برای سازمان هاست (GRI, 2002). بنابراین، فرض می کنیم،

**فرضیه 1c:** مدیریت پایداری رابطه مستقیم مثبتی با شهرت پایداری دارد.

GRI چارچوب پذیرفته شده موجود برای گزارش عملکرد پایداری اجتماعی است (H.s Brown, De Jong & Levy, 2009). مخالفان گزارش عملکرد پایداری افزایش افشای شهرت شرکت را به عنوان مزیت اصلی برای صدور گزارش ادعا می کنند. Chua و Simnett, Vanstraelen (۲۰۰۹) پیشنهاد می کنند که کمپانی ها می توانند اعتبار گزارش های پایداری شان را افزایش دهند و ممکن است شهرت شان را توسط گزارش های پایداری از بیمه کنندگان مستقل تضمین بخشند. تحقیق توسط Kolk (2005a, 2005b) و Palenberg, Reinicke, witte (۲۰۰۶)، پیشنهاد کردند که عملکرد پایداری به طور مثبت شناسایی برند را تحت تاثیر قرار می دهد. یک مطالعه توسط Michelin (۲۰۱۱) دریافت که کمپانی ها از افشا استفاده می کنند تا قانون

عملیات را برای سهامداران نشان دهد. بنابراین، کمپانی هایی که عملکرد پایداری اجتماعی شان را افشا می کنند و تعهد به سهامداران را نشان می دهد شانس بیشتری برای بهبود شهرت از افشا رسانه دارند. بنابراین، فرض می کنیم،

**فرضیه 2a:** عملکرد پایداری اجتماعی ب طور مثبت با مدیریت پایداری مرتبط است.

Richardson و Welker (۲۰۰۱) نشان دادند که افشا اجتماعی می تواند هزینه ی سرمایه برابر را به طور مستقیم از طریق ترجیح سرمایه گذاران تحت تاثیر قرار دهد اگر سرمایه گذران تمایل داشته باشند که بازده مورد انتظار کمتری بر سرمایه گذاری را بپذیرند که اهداف اجتماعی را تحقق می بخشد (صفحه ۵۹۸). تحقیقات اولیه نتیجه گیری کرده است که شیوه های پایداری اجتماعی مانند افزایش دانش کارمندان، برنامه های مشارکت کارمندان، بهبود نگرش های کارکنان و رضایت عملکرد کیفیت را افزایش می دهد. این به نوبه خود عملکرد مالی در سازمان ها و مزیت پایدار را منجر می شود.

Daily و Huang (۲۰۰۱) دریافت که منابع انسانی و شیوه های رفتار سازمانی عملکرد پایداری اجتماعی در سازمان ها را بهبود می بخشد که می تواند منجر به بهبود عملکرد مالی شود. توضیحات برای عملکرد بهبود یافته از پایداری اجتماعی شامل نظریه سهامداران شرکت می شود. از این دیدگاه نظری، منابع شرکت فراتر از سهامداران است تا کارکنان را در سازمان در نظر گیرد. Cornell و Shapiro (۱۹۸۷) توجه کردند که شیوه های پایدار اجتماعی مفاهیم کم هزینه تری دارد که منجر به عملکرد مالی بالاتر می شود. فقدان شیوه های پایدار اجتماعی می تواند سرمایه گذران را مایوس کند زیرا آن ها ریسک بالاتری در سرمایه گذاری چنین شرکت هایی دارند.

McGuire و همکاران (۱۹۸۸) ذکر کرده اند که مفاهیم پایداری اجتماعی پایین توانایی شرکت برای بدست آوردن سرمایه در نرخ ثابت را کاهش می دهد و رابطه پایدار تری با جامعه و دولت مالی دارد. مطالعه بعدی توسط M.D Johnson (۲۰۰۶) پیشنهاد کرد که شیوه های پایداری اجتماعی مانند مشارکت کارگران و آموزش تاثیر مثبتی بر عملکرد پایداری اجتماعی دارد که منجر به عملکرد مالی می شود. همچنین میدانیم که شیوه های پایداری اجتماعی مانند برنامه های امنیت کارگران و برنامه پایداری اجتماعی کارمندان احتمالاً عملکرد مالی شرکت را با کاهش هزینه تولید و مدیریت کیفیت بهبود می بخشد. بنابراین فرض می کنیم،



**فرضیه 2b:** عملکرد پایداری اجتماعی به طور مثبت با عملکرد مالی شرکت مرتبط است.

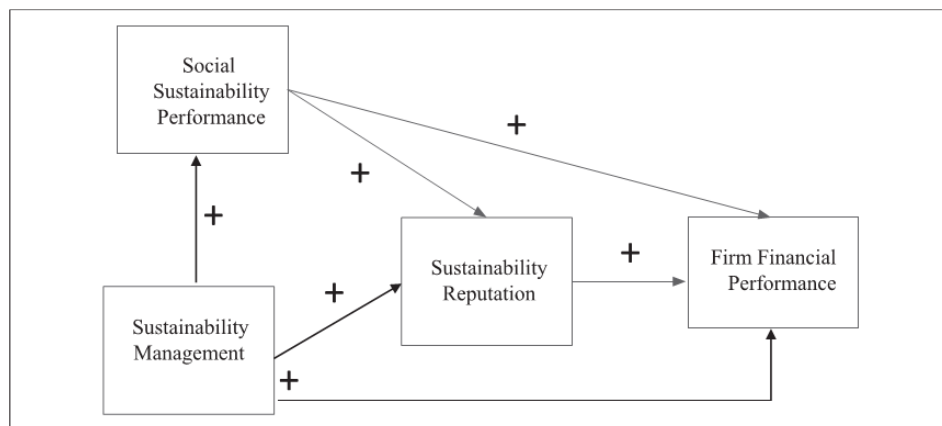
**فرضیه 3c:** عملکرد پایداری اجتماعی واسطه ی رابطه بین مدیریت پایداری و عملکرد مالی شرکت است.

بر طبق دیدگاه نظری مبتنی بر منابع، شهرت یک منبع ارزشمند است که منجر به عملکرد مالی بهبود یافته شرکت می شود و مزیت رقابتی پایدار برای شرکت ایجاد می کند. Roberts و Dowling (۲۰۰۲) رابطه مثبتی بین شهرت و عملکرد مالی شرکت را تایید کردند. شهرت شرکت منبع ناملموس اساسی است که توسط سرمایه گذاری در شیوه های پایداری و افشا ایجاد شده است. Riordan, Gatewood, Bill (۱۹۹۷) پیشنهاد کردند که واکنش کارکنان به فعالیت شرکت اغلب بر مبنای تصویر شرکت است. بعلاوه، شرکت ها با شهرت برای پایداری می توانند متقاضیان شغل بهتری را جذب کنند، انگیزه کارمندان، روحیه، تعهد و وفاداری را افزایش دهند که به نوبه خود عملکرد مالی را بهبود می بخشد. Datta, Gopalakrishna-Remni, Bozan (۲۰۱۵) نیز گزارش پایدار نهادینه شده را نشان داد و به وضوح به طور مثبت عملکرد کلی تجارت را تحت تاثیر قرار می دهد. اقتصاد دانان نشان داده اند که در این دوران تصویر شرکت، مصرف کنندگان به طور فزاینده بر اساس نقش کلی شرکت در جامعه خرید می کنند: چگونه با کارکنان، سهامداران و همسایه های محلی برخورد می کنند". بر اساس این منطق، افزایش در خرید از شهرت شرکت می تواند به طور مثبت عملکرد مالی شرکت را تحت تاثیر قرار دهد. بنابراین، فرض می کنیم،

**فرضیه 3a:** شهرت پایداری منجر به بهبود عملکرد مالی شرکت می شود.

**فرضیه 3b:** شهرت پایداری واسطه رابطه بین عملکرد پایداری شرکت و عملکردی مالی شرکت می کند.

یک مدل مفهومی که روابط مطرح شده را خلاصه می کند شامل ساختارهای مدیریت پایداری، عملکرد پایداری اجتماعی، شهرت، و پیامدهای عملکرد مالی را در بر دارد که در شکل ۱ نشان داده شده است.



شکل ۱. روابط مطرح شده در عملکرد پایداری اجتماعی.

(ترجمه شکل: عملکرد پایداری اجتماعی، مدیریت پایداری، شهرت پایداری، عملکرد مالی شرکت)

## روش

ما به دنبال نمونه برداری از MNC های پیشرو (کمپانی های چندملیتی) بودیم تا درک درست و دقیقی از این جامعه را بدست آوریم. جامعه هدف شامل کمپانی های جهانی پایدار هستند که همه توسط رتبه بندی Newsweek از کمپانی های سبز شناخته می شوند، شرکت Knight's Global 100، شامل ۱۰۰ بهترین Corporate Citizens است که برای چند سال ۲۰۰۹، ۲۰۱۰، ۲۰۱۱ به همراه نمونه های جمع شده از گزارش GRI فهرست شدند. کمپانی های جهانی را شناسایی کردیم با این توجه و تمرکز که پایداری در ارتباط با عملکرد زیست محیطی است. این انتخاب متعصبانه در تمرکز زیست محیطی و توجه این شرکت ها در گزارش آن مقیاس ها به آژانس های دولت و سهامداران نشان می دهند که بخشی از چشم انداز گزارش پایداری است. از آنجاییکه به دنبال شرکت هایی هستیم که به طور جهانی شناخته شده اند، می تواند محدودیتی در این مورد وجود داشته باشد که چه مقدار اقدامات در شرکت های کوچک تر مالی به کار گرفته می شود که اگر نمونه برداری شود می تواند به کنترل برای اندازه شرکت کمک کند و بینش های آتی را فراهم کند.

در تلاش برای تمایز این مطالعه از کارهای پیشین در زمینه های مدیریت و مالی، عملکرد سهام را با توجه به عملکرد اجتماعی ارزیابی نکردیم. در عوض، می خواهیم تحقیقات قبلی را اینگونه بسط دهیم که چگونه مدیریت شیوه های پایداری بر عملکرد اجتماعی و شهرت شرکت، بر مقیاس های این ساختارها و روابط با عملکرد مالی تاثیر می گذارد. این مطالعه رویکرد منحصر بفردی را برای بررسی این روابط اتخاذ می کند در حالیکه از مدل

سازی معادله ساختاری (SEM) استفاده می کند. با نمونه هدفمند از سازمان ها که برای شیوه های پایداری شان شناخته شده اند، رویکرد جدیدی برای عملیاتی کردن پایداری پیشنهاد می کنیم و پیش بینی می کنیم که چگونه دیگر شرکت ها می توانند به طور موفقیت آمیز در این شیوه ها مشارکت کنند. مطالعاتی که از نمونه های راحت استفاده می کنند در تحقیقات مدیریت پایداری رایج هستند (Disterheft, Caeiro, Azeiteiro, & Leal Filho, 2015; Formentini & Taticchi, 2016; Zhu, Sarkis, & Lai, 2008).

با نمونه هدفمند می توانیم روابط را در شرکت های چندملیتی شناخته شده برای شیوه های پایداریشان مشخص و بررسی کنیم. شرکت ها برای اعمال این شیوه ها جدید نیستند، چرا که بسیاری از آن ها رهبران پایداری شناخته شده در طی چندین دهه هستند. این نمونه هدفمند ممکن است قابل تعمیم نباشد، اما در عوض می تواند توضیح دهد که سازمان های نوآور و جدید چه می کنند در حالیکه به پیش بینی این مورد کمک می کند که برای دیگر شرکت ها جهت عبور از فرسودگی پایداری به عنوان اکثریت اولیه، اکثریت آخری و عقب مانده ها که از این شیوه ها در زمان های بعدی استفاده می کند چه می کند (Sroufe, Curkovic, Montabon, & Melnyk, 2000). نمونه از ۸۲ شرکت همه توسط هر یک از سازمان های زیر بیش از دوره ی ۳ سال ۲۰۰۹، ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ توسط رتبه بندی کمپانی های سبز Newsweek شناخته شده است. این دوره از زمان که توسط این نمونه پوشش داده شده است نیز منطبق با پروتکل Kyoto است که ملل صنعتی توافق کردند تا انتشارهای ۵٪ زیر سطوح ۱۹۹۰ در ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲ را کم کند. سال ها در نمونه ما در واقع زمان جالبی برای شرکت ها در مدیریت تلاش های پایداری در طول رکود است. محیط به ندرت مسئله قابل توجهی در انتخاب است، اما زمانی بود که کانیدیدا باراک اوباما سعی کرد محیط را در طول کمپین انتخابی اش و سپس در مدیریت ریاست جمهوری اش مهم تر جلوه دهد. در حالیکه فرضیات مان را در مورد سال های اول داده های موجود . تغییر چشم انداز پایداری بررسی می کنیم، امیدواریم که تحقیقات بعدی و بررسی روابط در دوره های بلندمدت تر باشد که شامل داده های جدید تر است.

رتبه بندی سبز Newsweek، که ابتدا در سال ۲۰۰۹ منتشر شد، ساختار محیط واقعی شرکت، چگونگی مدیریت آن، و ارتباطات پایداری توسط سرمایه گذاری بزرگ ترین کمپانی های تجارت عمومی در آمریکا (برای فهرست آمریکا ۵۰۰) و جهانی (برای ۵۰۰ لیست جهانی) را ارزیابی می کند. رتبه بندی ترکیبی از تاثیر زیست

محیطی (با وزن نسبی ۰.۴۵)، مدیریت زیست محیطی (۰.۴۵) و افشا (۰.۱۰)، Muli، ۲۰۱۳، Newsweek،  
۲۰۱۲) می باشد. Global 100 فهرستی از شرکت های پایدار Global 100 در جهان است که توسط مجله  
کانادایی Corporate Knights توسعه یافته است و به صورت سالانه در فورم اقتصادی جهانی در Davos  
اعلام کردند. فهرست در همکاری با تحقیق پیشرو Innovest Strategic Value Advisor توسعه یافته  
است. این شرکت در تحلیل خط مبنای سه گانه و سرمایه گذاری مسئولانه ی اجتماعی تخصص یافته است. برای  
تعیین ۱۰۰ فهرست بندی بهترین شرکت شهروندی، تجارت اخلاقی هفت گروه سهامدار را شناسایی می کند:  
سهامداران، جامعه، اقلیت و زنان، کارمندان، محیط، سهامداران غیرآمریکایی، و مشتریان (Filbeck, Gorman, & Zaho, 2009).

چارچوب زمانی در راه اندازی داده های ESG از Bloomberg در سال ۲۰۰۹ آغاز می شود و از پروتکلی دنبال  
می کند که ۳ سال از داده ها را مورد استفاده قرار می دهد و تحلیل داده های چند متغیره را با نمونه کافی برای  
SEM مجاز می سازد. با استفاده از نمونه های موجود از بیشتر سال ها در آینده به روایی کلی کمک می کند اما  
تجارت را معرفی می کند همانطور که از رتبه بندی متعدد در داده های از دست رفته در سال های متعدد  
استفاده می کند. نیاز برای تکنیک های جایگزینی داده های از دست داده می تواند باعث شود محققان روایی  
مجموعه داده ها را مورد سوال قرار دهند. استفاده از چندین سال، چندین منبع داده ها و تایید شرکت های برتر  
توسط سازمان های متعدد فرصت جدید و منحصر بفردی فراهم می کند تا مطالعه ساختارهای جدید و روابط را  
بررسی کند که شامل مدیریت شیوه ها پایداری و عملکرد پایداری اجتماعی است.

نمونه مورد استفاده در این مطالعه عمدتاً کمپانی های Fortune500 بود و کاملاً نشان دهنده ی بخش صنعت  
نیست. با این وجود، تاثیر اندازه شرکت یا نوع صنعت بر شیوه های مدیریت پایداری شناخته شده نیست. برای  
مثال، ممکن است شرکت های بزرگ تر یا شرکت های موفق اقتصادی در صنایع گسترده پایداری تمایل داشته  
باشند پایداری را به طور موثر تر در تعداد افراد داده شده، بخش ها، مکان ها و فراوانی منابع برای مدیریت  
پایداری مدیریت کند. بعلاوه، شرکت های اقتصادی بزرگ تر می تواند ثبت و انتشار شیوه های مدیریت پایداری  
را موفق و موثر بدانند که به دلیل منابع بزرگ تر و حضور طولانی تر در صنعت می باشد. بوضوح، نیازی برای

تکرار این مطالعه در زمینه های نمونه برداری متفاوت، برای مثال تصادفی، طبقه بندی شده و همینطور همه ی شرکت های Fortune500 وجود داشته باشد.

مطالعات پیشین از نمونه های راحت MNC برای بررسی رابطه ساختارهای پایداری با عملکرد مالی شامل اطلاعات زیست محیطی و عملکرد مالی استفاده کرده اند (Lyon & Shimshack, 2012). شیوه های زنجیره تامین اجتماعی و زیست محیطی شرکت ها با عملکرد مالی مرتبط است (Wang & Sarkis, 2013). در حالیکه دیگر مطالعات از نمونه برداری راحت MNC استفاده کردند تا روابط بین ابتکارات پایداری و ارزش شرکت را مورد مطالعه قرار دهند (Jeffers & DeGaetano, 2013; Lin, Jeffers, Romero, & DeGaetano, 2015). نمونه راحت از بزرگ ترین شرکت های آمریکا ۵۰۰ توسط Newsweek رتبه بندی شده است نیز برای مطالعه واکنش های سرمایه گذاری مورد استفاده قرار می گیرد تا عملکرد زیست محیطی شرکت بلند مدت و کوتاه مدت را مورد استفاده قرار دهد (Cordeiro & Tewari, 2015).

در تکمیل داده های پنل برای این مطالعه، از Bloomberg برای جمع آوری امتیازات افشا اجتماعی و امتیازات افشای زیست محیطی استفاده می کند. برای هدف این مطالعه، مدیریت پایداری توسط امتیازات سیاست سبز و امتیاز مدیریت زیست محیطی منعکس می شود. عملکرد زیست محیطی توسط دو مقیاس منعکس می شود: امتیاز افشا رهبری و امتیاز افشا اجتماعی. شهرت پایداری توسط شهرت و امتیاز سبز شرکت منعکس می گردد. در نهایت، داده های مالی از Bloomberg و Compustat شامل ROA, ROI, NMP می باشد. ساختارها، نشانگرها و واحدهای مدیریت در پیوست B هستند.

### تحلیل داده ها

مطالعه تجربی ما منابع داده های ثانویه متفاوت را ترکیب می کند: رتبه بندی سبز Newsweek، Bloomberg و Compustat به منظور کاهش تهدید بالقوه از واریانس روش رایج که نتایج تحلیل را تحت تاثیر قرار می دهد (Podsakoff, MacKenzie, Lee, & Podsakoff, 2003). این کمپانی ها بخشی از برنامه همکاری قدرت سبز EPA بود که به دنبال نشان دادن رهبری زیست محیطی، شناخت بیرونی، تحقق اهداف پایداری شان بودند در حالیکه به دنبال تمایز محصول و برند هستند. داده ها را از ۱۰۴ کمپانی Fortune500 در آغاز تحلیل جمع آوری کردیم. داده های جمع آوری شده از ۲۲ کمپانی برای مطالعه غیرقابل استفاده بودند چرا که نمی توانستیم

داده ها را در کل مقیاس ها بیابیم. از ۸۲ کمپانی که در نهایت برای مطالعه مان در نظر گرفته شدند، آزمون Little MCR را اجرا کردیم تا مطمئن شویم که چند نکته از دست رفته به صورت تصادفی از دست رفته اند قبل از اینکه محاسبه متعدد را برای جایگزینی ارزش های از دست داده انجام دهیم. نتایج آزمون Little MCAR به این صورت بود  $\chi^2 = 113.853, df = 106, p \text{ value} = .284$ ، که نشان دهنده ی این است که ارزش های از دست رفته می تواند به تصادفی بودن نسبت داده شود.

برای کنترل مسئله داده های از دست رفته، محاسبه متعدد استفاده شد که ارزش های مشاهده شده برای تولید طیفی از ارزش های محتمل را ایجاد می کند. در روش محاسبه متعدد، هر داده از دست رفته با ارزش محتمل تولید شده توسط همبستگی و روابط موجود بین متغیرها جایگزین می شود که فرضیات خاص برآورده می شود. این توسط بررسی نرمال بودن و یافتن مسائل غیرنرمال دنبال می شود (با ارزش منحرف شده که بالاتر از طیف - ۱ و +۱ می شود). مسائل غیرنرمال بودن داده های جمع آوری شده با استفاده از تغییر لگاریتمیک کنترل می شود که به حفظ نرمال بودن توزیع و برابری واریانس به طور همزمان کمک می کند. تغییر به تطبیق داده ها به افزودگی، فرضیات نرمال، و واریانس ثابت مورد نیاز برای تحلیل های بیشتر کمک می کند. توزیع لاگنرمال به عنوان توزیع متغیری تعریف می شود که لگاریتمش از قانون نرمال بودن احتمال پیروی می کند. انتقال لگاریتمیک مصنوعی میزان واریانس را کاهش می دهد تا توزیع نرمال بودن و توزیع نرمال بودن لگاریتم را کاهش دهد و بنابراین در مرکز میانگین هندسی است. بنابراین مدل از مجموعه داده هایی ایجاد می شود که با نیازهای قانون خطای نرمال برای اهداف استنباطی تطبیق دارد. آزمون نرمال بودن را بعد از تغییر نرمال بودن لگاریتم اجرا می کنیم اما نمی توانست آن را با غیرنرمال بودن کنونی به داده های مالی بعد از رونق بازار ۲۰۰۸ نسبت دهد.

محققان نگرانی هایی در مورد توزیع های غیرنرمال را بیان می کنند و گاهی اوقات انحراف منفی از داده های مالی دارند. این به این دلیل است که بسیاری از روندهای آماری شامل رگرسیون، تحلیل واریانس، آزمون های t بر اساس فرضیه نرمال بودن است که یعنی جامعه ای که از آن نمونه ها اتخاذ می شوند به صورت نرمال توزیع شده اند. داده های مالی مان از ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۱، بعد از رکود بازار در پاییز ۲۰۰۸، مسئله جزیی از غیرنرمال بودن و SEM مبتنی بر مولفه دارد که در این مورد ترجیح داده می شود و اندازه نمونه متوسط را در نظر می گیرد.

ما مسائل چندگانه یابی را با استفاده از SPSS بررسی کردیم و هیچ مسئله چندوجهی ای را به استثناء داده های مالی نیافتیم. عامل تورم واریانس (VIF) برای NPM ۶,۴۶۴ بالاتر از ۵ است (یعنی سطح تحمل کمتر از ۰,۲) که نشان دهنده ی چندگانه بودن ممکن است. VIF برای ROA ۴,۴۵۴ و برای ROI برابر با ۲,۵۰۴ است و همه ی واریانس های دیگر VIF کمتر از ۳ دارند. حداقل تعداد مربع جزیی (PLS)-تحلیل داده های SEM به بررسی چندوجهی بودن در میان ارزش های ساختار کمک می کند. Erikson, Hermens, Johansson, (1995) Verhaar, Wold استدلال کرد که یک روش برای حل این مسئله چندوجهی بودن سود بردن از این است که با به کار گیری روش های چندواریانسه، مانند حداقل تعداد مربع به ساختار بعدی PLS است (صفحه ۲۲۰). بنابراین، از PLS برای اجرای تحلیل داده ها استفاده کردیم.

ساختارهای پایداری اجتماعی نسبتاً جدید هستند و همبستگی مستقیمی با داده های مالی و توزیع منجر دارند، یک رویکرد مدل سازی PLS دقت پیش بینی کننده لازم برای این تحقیق را داراست. De Jong (۱۹۹۳) مشاهده کرد که عوامل PLS برای به حداکثر رساندن کواریانس تعیین شدند در حالیکه از محدودیت های نرمال سازی و متعارف پیروی می کنند. تحقیق پیشین حاکی از آن است که نمونه مشاهده های ۱۰۰ از ۲۰۰ مورد برای اجرای مدل سازی مسیر مناسب می شود و اندازه نمونه مان  $(82 \times 3 \text{ years} = 246)$  فراتر از این نیاز است. اندازه نمونه و فقدان متغیرهای توزیعی نرمال، عملکرد مالی باعث شد که PLS انتخاب قابل استفاده ای از تکنیک برای مطالعه مان باشد (Anderson & Gerbing, 1988; Cassel, Hackl, &

Westlund, 2000; Chin & Gopal, 1995; Marsh, Balla, & McDonald, 1988).  
است. در مطالعاتی که نظریه ها تعریف شده اند، PLS که به خاص بودن حساسیت کمتر دارد برای به حداکثر رساندن احتمال SEM ترجیح داده می شود.

داده ها را در معرض تحلیل عاملی قرار دادیم (بویژه، تحلیل مولفه های اصلی با چرخش واریمکس) به عنوان بررسی روایی و پایایی اولیه های داده ها می باشد. کراس لودینگ آیتم ها بر متغیرهای مرتبط نظری بالاتر از دیگر ساختارها است. جدول ۱ ارزش پایایی ترکیب هر ساختارها را نشان می دهد و بالاتر از ۰,۶ نشان داده می شود که نشان دهنده ی سطوح بالاتر پایایی مداوم است. واریانس میانگین استخراج شده (AVE) با بررسی پایایی همگرا محاسبه شد. همانطور که در جدول ۱ نشان داده شده است، همه ی ارزش های AVE، بالاتر از آستانه ی

پدیرفته شده از ۰,۵ است که پایایی همگرا را تایید می کند. بعلاوه، ریشه مربع AVE برای هر متغیر بعدی بزرگ تر از دیگر ارزش های همبستگی در میان متغیر های نهان است، که تایید کننده پایایی متغیر می باشد. ریشه مربع AVE برای هر متغیر پنهانی (ارزش های مورب) و همبستگی در میان متغیرهای پنهانی در جدول ۲ نشان داده شده است. تحلیل ما تایید می کند که ساختارها مرتبط هستند. ساختارهای نهایی برای مطالعه ما در نظر گرفته می شوند که شامل مدیریت پایدار است که در دو مقیاس نشان داده شده است: سیاست های سبز و امتیاز مدیریت زیست محیطی. عملکرد پایداری اجتماعی توسط دو مقیاس منعکس می شود: امتیاز افشا رهبری و امتیاز افشا اجتماعی، شهرت پایداری منعکس شده توسط دو مقیاس: امتیاز شهرت و امتیاز سبز، عملکرد مالی منعکس شده توسط سه مقیاس: ROI, ROA, NPM.

جدول ۱. واریانس میانگین استخراج شده (AVE) و مقیاس پایایی ترکیبی ساختارها.

پایایی ترکیبی	AVE	
0.942	0.844	عملکرد مالی شرکت
0.813	0.685	عملکرد پایداری اجتماعی
0.777	0.646	مدیریت پایداری
0.732	0.584	شهرت پایداری

جدول ۲. تحلیل معیار Fornell-Larcker برای بررسی پایایی متمایز

شهرت پایداری	مدیریت پایداری	عملکرد پایداری اجتماعی	عملکرد مالی شرکت	
			0.817	عملکرد مالی شرکت
		0.827	0.002	عملکرد پایداری اجتماعی
	0.804	0.248	0.125	مدیریت پایداری
0.764	0.422	0.289	-0.045	شهرت پایداری

توجه. N=246. ریشه مربع AVE به صورت ایتالیک در الگوی مورب در جدول.

جدول ۳. بار مسیر و ارزش t آمار مسیر.

ارزش p	آمار t	ضریب مسیر	روابط
			عملکرد پایداری اجتماعی - عملکرد مالی شرکت
			عملکرد پایداری اجتماعی - شهرت پایداری
			مدیریت پایداری - عملکرد مالی شرکت



.921	0.099	-0.007	مدیریت پایداری-عملکرد پایداری اجتماعی
.136	1.492	0.196	مدیریت پایداری-شهرت پایداری
.008	2.684	0.176	شهرت پایداری-عملکرد مالی شرکت
.000	4.107	0.248	
.000	3.716	0.373	
.418	0.811	-0.117	

نکته. آمار t نشان دهنده ی سه رابطه معنادار آماری با ارزش بالاتر از ۱,۹۶ است.

جدول ۴. ارزش های p و آمار ارزش t برای بارهای بیرونی.

ارزش های p	آمار t	ضرایب مسیر	روابط
.000	5.768	0.617	امتیاز سیاست سبز- مدیریت پایداری
.000	58.361	0.955	مدیریت زیست محیطی- مدیریت پایداری
.000	11.689	0.793	امتیاز Soc Dis - عملکرد پایداری اجتماعی
.000	9.770	0.861	امتیاز Gov Dis - عملکرد پایداری اجتماعی
.000	4.822	0.635	شهرت-شهرت پایداری
.000	12.891	0.874	امتیاز سبز- شهرت پایداری
.000	98.357	0.968	NPM- عملکرد مالی شرکت
.000	35.501	0.916	ROI- عملکرد مالی شرکت
.000	15.793	0.870	ROI- عملکرد مالی شرکت

توجه. مدیریت زیست محیطی، Gov Dis Score = امتیاز افشا دولتی، Soc Dis Score: امتیاز افشا اجتماعی،

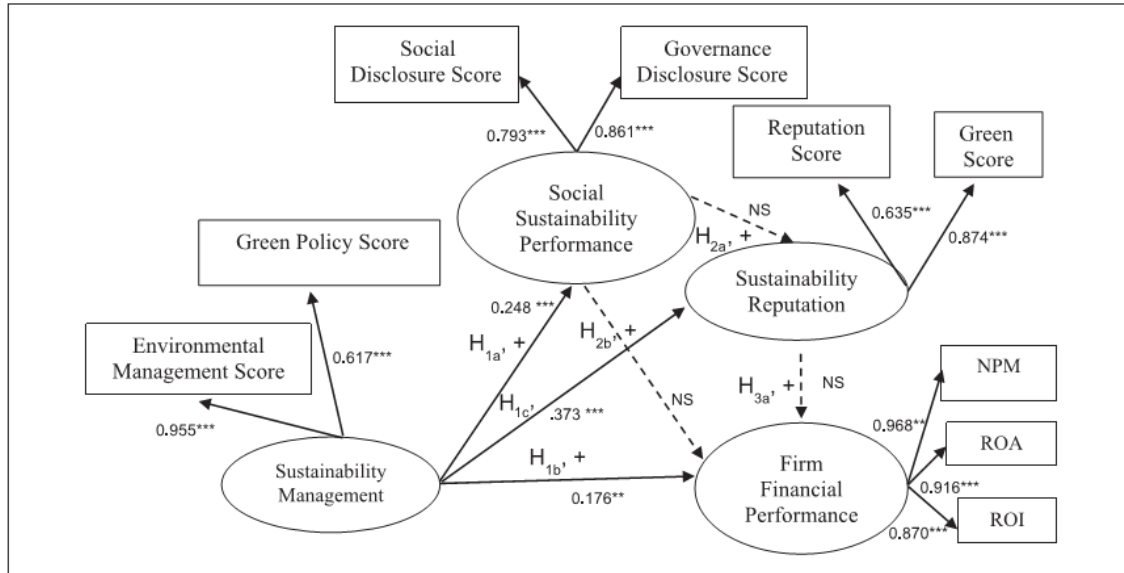
NPM = حاشیه سود خالص، ROA = بازدهی بر دارایی ها، ROI = بازده بر سرمایه گذاری.

برآورد مدل PLS با استفاده از Smart PLS اجرا شد. شایان توجه است که PLS متغیرهای پنهان را به عنوان مجموع توزینی نشانگرهای مربوطه شان می داند. PLS ارزش ها را برای متغیرهای پنهان با استفاده از رگرسیون متعدد پیش بینی می کند. برای بررسی اهمیت ضرایب مسیر، ارزش های t با استفاده از روند bootstrapping ایجاد شده محاسبه شده است. PLS را با ۲۴۶ نمونه با نتایج ثابت نشان داده ایم. ضرایب نهایی با استفاده از SmartPLS در جداول ۳ و ۴ نشان داده شده است که توسط چارچوب و مدل ساختاری تجزیه در شکل ۲ همراه است.

همانطور که در مقدمه اشاره شد، مبنای رتبه بندی ها برای کمپنی های اصلی نشان دهنده ی عملکرد اجتماعی، زیست محیطی، پایداری رهبری می باشد. برای مقایسه ی روابط بین ساختارها برد کمپانی های با رتبه بندی بالا و پایین، نمونه های اصلی مان را به دو زیرنمونه تقسیم کردیم (بر اساس سطح میانه رتبه بندی در میان شرکت ها در نمونه) و آن ها را به صورت مستقل تحلیل کردیم. بار بیرونی و آمار  $t$  مربوطه شان نشان دهنده ی همه ی متغیرهایی است که در این مطالعه برای ساختارهای اندازه گیری استفاده شدند و معنادار و معتبر هستند (حدول ۴). سپس تحلیل مسیر را برای هر دو نمونه انجام دادیم. ضرایب نهایی برآورد شده توسط SmartPLS در جدول ۵ تا ۸ است. در نتیجه، تحلیل بعدی، مسیرها از عملکرد پایداری اجتماعی تا شهرت پایداری، عملکرد پایداری اجتماعی از عملکرد مالی شرکت و شهرت پایداری از عملکرد شرکت معنادار نبودند. توصیه ها برای تحلیل بیشتر مسیرهای غیرمعنادار ما را منجر به تکمیل تحلیل بعدی کرده است. تحلیل بعدی شواهدی فراهم می کند که قدرت آماری در اندازه نمونه برای پشتیبانی پایایی یافته های غیرمعنادار است. تحلیل نیازمند  $R^2$  مرتبط با متغیر مستقل در رابطه با تعداد پیش بینی ها و سطح معناداری است. محاسبات برای قدرت آماری از ارزش  $R^2$  مرتبط با شهرت پایداری و عملکرد مالی در راستای مشخص کردن سطح معناداری در  $0,05$  است. محاسبه ناشی نشان دهنده ی قدرت آماری بالاتر از  $0,9$  برای همه ی مسیرهای غیرمعنادار است. قدرت آماری بالاتر از حداقل ارزش  $0,8$  نیازمند نشان دادن اندازه نمونه است که قدرت آماری لازم را فراهم می کند. بنابراین، اندازه نمونه برای پشتیبانی از ردیابی تاثیرات معنادار و غیرمعنادار در مدل کافی است.

بررسی مسیرهای مدل فردی رابطه مثبت معناداری بین مدیریت پایداری و عملکرد پایداری اجتماعی را نشان می دهد (پشتیبانی از فرضیه 1a). نتایج پشتیبانی ای برای رابطه معنادار مثبت بین مدیریت پایداری و عملکرد مالی شرکت را نشان می دهد (پشتیبانی از فرضیه 1b). نتایج همچنین از فرضیه رابطه مثبت بین مدیریت پایداری و شهرت پایداری پشتیبانی می کند (پشتیبانی فرضیه 1c). بدون رابطه معنادار بین عملکرد اجتماعی و شهرت پایداری، پشتیبانی ای برای فرضیه 2a نیافتیم. عملکرد پایداری اجتماعی رابطه مستقیم و معناداری با عملکرد مالی شرکت ندارد که فرضیه 2b را رد می کند. علاوه، فرضیه بیان می کند که نقش واسطه ای از عملکرد پایداری اجتماعی در رابطه بین مدیریت پایداری و عملکرد مالی شرکت از فرضیه 2c پشتیبانی نمی

کند. فقدان رابطه بین شهرت پایداری و عملکرد مالی شرکت ما را وادار کرده است که از فرضیه 3a و 3b پشتیبانی نکند که فکر می کردیم نقش میانجی مهمی در شهرت پایداری برای رابطه بین عملکرد پایداری اجتماعی و عملکرد مالی شرکت دارد. این یافته های متناقض فرصت هایی برای تحقیق بیشتر فراهم می کند.



شکل ۲. چارچوب و مدل ساختاری.

جدول ۵. بار مسیر و آمار مسیر ارزش t برای رتبه بندی پایداری بالا.

روابط	ضریب مسیر	آمار T	ارزش p
مدیریت پایداری-عملکرد مالی شرکت	0.165	2.037	.042
مدیریت پایداری-عملکرد پایداری اجتماعی	0.087	3.808	.000
مدیریت پایداری-شهرت پایداری	0.320	2.711	.007
عملکرد پایداری شرکت- عملکرد مالی شرکت	0.009	0.078	.938
عملکرد پایداری اجتماعی	0.087	0.790	.429
شهرت پایداری-عملکرد مالی شرکت	0.140	1.218	.223

توجه. آمار t نشان دهنده ی سه رابطه آماری معنادار با ارزش بالاتر از ۱,۹۶ است.

جدول ۶. ارزش های P و آمار ارزش t برای سربار بیرونی برای شرکت های رتبه بندی بالا.

روابط	ضریب مسیر	آمار t	ارزش p
امتیاز سیاست سبز- مدیریت پایداری			
مدیریت زیست محیطی- مدیریت پایداری			
امتیاز Soc Dis- عملکرد پایداری اجتماعی			

.000	4.986	0.689	امتیاز Gov Dis- عملکرد پایداری اجتماعی
.000	41.635	0.967	شهرت- شهرت پایداری
.000	4.031	0.706	امتیاز سبز- شهرت پایداری
.000	19.151	0.871	NPM- عملکرد مالی شرکت
.000	6.984	0.879	ROA- عملکرد مالی شرکت
.000	5.277	0.725	ROI- عملکرد مالی شرکت
.000	7.780	0.954	
.000	6.614	0.961	
.000	4.849	0.719	

جدول ۷. بار مسیر و آمار مسیر ارزش t برای شرکت های رتبه بندی پایدار پایین.

روابط	ضریب مسیر	آمار t	ارزش p
مدیریت پایدار-عملکرد مالی شرکت	0.217	2.013	.044
مدیریت پایداری-عملکرد پایدار اجتماعی	0.228	2.244	.025
مدیریت پایدار-شهرت پایدار	-0.032	2.903	.004
عملکرد پایدار اجتماعی-عملکرد مالی شرکت	0.258	0.271	.786
عملکرد پایدار اجتماعی-شهرت پایدار	-0.253	1.303	.193
شهرت پایداری-عملکرد مالی شرکت		1.102	.271

توجه. آمار t نشان دهنده ی سه رابطه آماری معنادار با ارزش بالاتر از ۱,۹۶ است.

جدول ۸. ارزش های p و آمار ارزش t برای بار بیرونی برای شرکت های رتبه بندی پایداری پایین.

روابط	ضریب مسیر	آمار t	ارزش p
امتیاز سیاست سبز-مدیریت پایدار	0.488	2.460	.014
مدیریت ریست محیطی-مدیریت پایدار	0.962	42.619	.000
Gov Dis-عملکرد پایدار اجتماعی	0.937	5.215	.000
امتیاز Soc Dis- عملکرد پایداری اجتماعی	0.738	3.373	.001
ان-امتیاز سبز- شهرت پایداری	0.897	9.928	.000
شهرت- شهرت پایداری	0.539	2.600	.009
NPM- عملکرد مالی شرکت	0.978	6.747	.000
ROA-عملکرد مالی شرکت	0.936	6.345	.000
ROI-عملکرد مالی شرکت	0.906	7.290	.000

## بحث

مطالعه ما منجر به پر کردن خلا در تحقیقات در زمینه در حال ظهور از پایداری اجتماعی در چندین روش می شود، یعنی اهمیت مدیریت شیوه های پایداری، تاثیر بر عملکرد، نیاز برای بررسی بیشتر روابط محاسباتی، و

بینش های جدید در ان مورد را نشان می دهد که در شرکت های نمونه در طول آن دوره مهم چه اتفاقی می افتد. مهم تر اینکه، مطالعه ما نشان می دهد که مدیریت شیوه های پایداری شامل مدیریت سیاست سبز و زیست محیطی نقش مهمی در بهبود پایداری اجتماعی در سازمان ها ایفا می کند ( فرضیه 1a). این می تواند از این ایده نشات گیرد که مدیریت این شیوه ها رفتارهای CSR را افزایش می دهد که منجر به رهبری افزوده و عملکرد پایداری اجتماعی می شود. به طور ایده آل، چنین رفتارهایی منجر به افزایش حفظ و سودآوری کارمندان می شود. اهمیت مدیریت شیوه های پایداری همگام است و اعتبارسنجی بیشتر ادبیات تجربی پیشین را فراهم می کند. یافته های ما نشان می دهد که بر اساس مقیاس های عملکرد مالی سنتی، کمپانی های نمونه در نظر گرفته شده در این مطالعه از توسعه و شیوه های مدیریت پایداری موثر است (فرضیه 1b). در می یابیم که NPM, ROA, ROI از عملیات در کمپانی های پایدار رتبه بالاتر در رکود نسبتا دشوار در ایالات متحده و دیگر کشورها در طول ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۱ می باشد. شایان ذکر است که محدودیت انتخاب نمونه ما، یعنی تبعیض شرکت بزرگ، و دوره زمانی پوشیده شده توسط نمونه ما، شواهد علی در این مطالعه منجر به شواهد اولیه می شود که نقش سیاست های سبز و مدیریت زیست محیطی در شرکت ها را برای بهبود شهرت شان نشان م یدهد (فرضیه 1c).

نتیجه نشان دهنده ی مفاهیم و پیامدهای مدیرانه است. نخست، مطالعه از ارزش تلاش ها برای مدیریت شیوه های پایداری جهت افزایش عملکرد پایداری اجتماعی شرکت و عملکرد مالی شرکت پشتیبانی می کند. بنابراین، تلاش ها و سرمایه گذاری ها در استراتژی پایداری باید شامل سیاست های سبز و مدیریت زیست محیطی باشد که به عنوان فرصتی جهت مقدر و ساختن پایداری اجتماعی و عملکرد مالی است. نتایج این مطالعه نشان دهنده ی اهمیت تعهد و جهت گیری برای سیاست های سبز و مدیریت زیست محیطی توسط مدیریت ارشد است. همچنین مهم است که سیستم های پاداش و تشویق را برای حفظ رفتارهای مثبت از کارمندان داشته باشیم در حالیکه به استراتژی پایداری شرکت متصل هستیم.

به طور مخالف، عملکرد پایداری اجتماعی همانطور که در این مطالعه اندازه گیری شد تاثیر معناداری بر شهرت پایداری نداشت (فرضیه 2a). توضیحات ممکن شامل کمپانی هایی است که به وضوح پایداری اجتماعی را برای افزایش در سلسله وضعیت به اندازه مدیریت زیست محیطی و شیوه های سیاست سبز قرار ندادند. جالب است که

یافته های ما نشان می دهد که بر اساس عملکرد مالی سنتی، کمپانی ها در این مطالعه افزایش عملکرد مالی معنادار از شیوه های پایداری اجتماعی ندارند (فرضیه 2b). در عوض، و همانند مطالعات اولیه که نشان دهنده ی نقش قابل توجه عملکرد پایداری زیست محیطی در بهبود عملکرد مالی شرکت است، شرکت ها در این مطالعه از شیوه های مدیریت پایداری منفعت می برند.

### زمان بندی مطالعه

همانطور که در بخش روش شناسی مطرح شد، زمان بندی مطالعه برای ما جالب است که به دلیل در دسترس بودن داده های جدید و تغییر چشم انداز پایداری است. این زمان های جالب نمونه مان را از سال های بعد مجزا می کند زمانی که ایالات متحده سعی در خروج از رکود داشت و رییس جمهور اولین شرط خود را در دومین انتخابات ۲۰۱۲ گسترش داد. با ارتباط مستحکم به اقتصاد در حال تغییر، شرکت های بزرگ می توانند از اثرات رکود رنج برند که از فشار مالی، کاهش سود فروش، تلاش برای سرمایه گذاری منابع در برنامه های جدید یا تحقیق و توسعه ناشی می شود. Economist (۲۰۰۹) اشاره کرد که رکود آزمونی از تعهد شرکت به پایداری است، در حالیکه گزارش هایی در مورد کاهش برنامه های پایداری وجود داشت. ادبیات پیشینه نقش منابع بی فایده را شناسایی می کند که شیوه های پایداری را تحت تاثیر قرا میدهد. به این دلایل است که انتظار داریم کمبود پشتیبانی برای فرضیاتی وجود داشته باشد که شامل عملکرد مالی شرکت در این مطالعه است. همانطور که دیگر محققان به زمان بعد از مطالعه نگریستند، انتظار نداریم که یافته های متضاد یکسان را بیابیم، اما در عوض روابط معنادار برای عملکرد مالی شرکت می یابیم.

رویکرد ما هیچ مشکلی در مطالعه شیوه های پایدار و عملکرد متعاقب در این شرکت ها ندارد. امیدواریم که این مطالعه بتواند بنیادی برای بررسی تحقیقات روابط درون مطالعات طولی باشد. اما می دانیم که نمونه ما رفتار شرکت ها با تمرکز کم بر مدیریت شیوه های پایدار و عملکرد پایداری اجتماعی را در نظر نمی گیرد. علاوه بر این نقص ها، یافته های ما به Pullman و همکاران (۲۰۰۹) شباهت دارد که تاثیر اساسی ای از عملکرد پایداری بر عملکرد مالی نیافتند و از استدلال انجام شده توسط Labuschagne, Brent, Van Erck (۲۰۰۵) پشتیبانی کردند که جایگزینی ارزش اقتصادی بر همه ی تاثیرات پایداری اجتماعی را دشوار می دانند.

بنابراین، پایداری اجتماعی، همانطور که در این مطالعه اندازه گیری شد، تاثیر بسزایی بر شهرت ندارد و همینطور تاثیر غیرمستقیمی بر بهبود عملکرد مالی نیز ندارد (فرضیه 2c). نتایج نشان می دهد که بررسی بیشتری نیاز است که چرا و چگونگی دخیل بودن سازمان ها در شیوه های پایدار اجتماعی را نشان دهد و مقیاس های عملکرد اساسی را شناسایی کند. توضیح ممکن برای فقدان رابطه معنادار برای اجرا کنندگان پایداری بالا باید بتواند بر اساس زمان مورد استفاده در این مطالعه باشد. می توانیم در نظر گیریم که افق زمانی طولانی تر نتایج مشابهی را نشان می دهد همانطور که توسط Brammer, Millington (۲۰۰۸) پشتیبانی شد که اجرا کنندگان پایداری اجتماعی ضعیف نتایج مالی بهتری را با سرمایه گذاری بر مقیاس های پایداری اجتماعی شرکت در کوتاه مدت بدست آوردند در حالیکه اجرا کنندگان بالای اجتماعی نتایج مالی بهتر در بلند مدت بدست آوردند.

با توجه به فقدان رابطه معنادار بین شهرت پایداری و تاثیرات بر عملکرد مالی شرکت (فرضیه 3a)، یافته های ما باعث می شود که بر این باور باشیم رکود می تواند این رابطه مفروض را تحت تاثیر قرار دهد. با افزودن به پیچیدگی این رابطه، آگاهی سهامدار از شاخص ها و رتبه بندی ها اغلب از شیوه های درونی واقعی و سازمان های رتبه بندی بیرونی حذف می شوند. این کار را برای سهامداران و حتی شرکت ها دشوار می سازد تا مزیت مالی مستقیم را از ظهور شیوه های پایداری اجتماعی شناسایی کند یا باعث عقب ماندن افزایش در شهرت شرکت می شود (فرضیه 3b) و این روابط نیازمند بررسی بیشتر است. تحقیقات مداوم باید به اندازه گیری ها، توسعه سازه ها، روابط بین پایداری اجتماعی و شهرت توجه کند. بر طبق Coldwell و همکاران (۲۰۰۸)، شهرت پایداری بالا می تواند منجر به کسب برتر کارکنان شود که به دلیل جذابیت توسط کاندیدها است تا سازمان هایی را برگزینند که سطوح بالاتری از عملکرد اجتماعی شرکت دارند که منطبق با انتظارات اخلاقی شان است. همچنین آن ها دریافتند که عملکرد پایداری بهتر ممکن است حفظ را توسط تناسب های اخلاقی شخصی بهتر با ارزش های اخلاقی سازمانی افزایش دهند. در سال ۲۰۰۳، Ramus و Montgomery مطالعه ای را بر 279 MBA از دو مدرسه تجارت آمریکای شمالی و اروپایی انجام دادند. آن ها دریافتند که ویژگی های مرتبط به شهرت پایداری در انتخاب تصمیم های کاری مهم است و ۹۰٪ از افراد تمایل داشتند که مزایای مالی شرکت را استفاده کنند تا برای سازمان با شهرت بهتر برای مسئولیت و اخلاق اجتماعی شرکت بهتر کار کنند

(صفحه ۳). Fraceshini (۲۰۱۵) نتایج مشابهی را یافت. در اینجا، پیشنهاد می‌کنیم که کمپانی‌هایی که سطح نسبتاً بالایی از نرخ کناره‌گیری دارند باید در پایداری دخیل شوند و مدیریت پایداری را موکد سازند و پیامدهای پایداری اجتماعی را اندازه‌گیری کنند. این می‌تواند منجر به شهرت بالاتر برای پایداری شود که کارکنان بهتر را جذب و حفظ می‌کند.

### بر چه موردی تمرکز کنیم

کمپانی‌هایی که به طور منفی بر مقیاس‌های مالی مانند NPM, ROA, ROI متمرکز اند ممکن است بازده پویاتری را بر سرمایه‌گذاری در شیوه‌های پایداری اجتماعی شناسایی نکنند. این مقیاس‌های مالی سنتی ممکن است مانع توسعه‌ی شیوه‌های پایداری اجتماعی شود اگر حسابداری برای عملکرد اجتماعی و زیست محیطی در بر گرفته نشده باشد. نتایج برای تحلیل‌های مان‌نشان دهنده‌ی رابطه مثبت بین مدیریت پایداری و پیامدهای پایداری اجتماعی است. به این منظور، بهتر است که سیستم‌های جامع را برای شناسایی و اندازه‌گیری مزیت‌های عملکرد از مدیریت شیوه‌های پایداری در نظر بگیریم چرا که ردیابی دشوار است و برای توضیح رابطه بین منابع غیرملموس مانند پایداری اجتماعی، شهرت و پیامد عملکرد همانطور که توسط Russo و Fouts پیشنهاد شد مبهم می‌باشد.

همانطور که جالب اما متضاد است، بخشی از مطالعه فاقد رابطه میانجی معنادار بین عملکرد پایداری اجتماعی و مالی در راستای عملکرد شهرت و مالی است. Lopatta, Buchholz, Kaspereit (۲۰۱۶) دریافتند که شرکت‌ها با امتیاز بالا بر مقیاس‌های عملکرد اجتماعی با بازده غیرنرمال پایین‌تر مرتبط هستند. یک نتیجه‌گیری رایج با این مطالعه این است که حداقل، هیچ‌نشان مشخصی از رابطه مثبت بین عملکرد مالی شرکت و عملکرد اجتماعی با استفاده از شاخص‌های عملکرد مالی سنتی وجود ندارد. این ممکن است به دلیل ماهیت هنجار (نه‌سازه‌ای) پایداری اجتماعی و زمان‌بندی رکود باشد. شرکت‌هایی که در مطالعه مان در نظر می‌گیریم ممکن است به بازده اجتماعی برتری نسبت به دیگر رویکردها رسیده باشند (برای مثال نوآوری، کاهش هزینه، کیفیت، و غیره) به جای اینکه تنها از سرمایه‌گذاری بر منابع در پایداری اجتماعی یا شهرت باشد.

این مطالعه اعتبار سنجی تجربی برای نقش مدیریت شیوه‌های پایداری در بهبود عملکرد پایداری اجتماعی را فراهم نمی‌کند. برخی می‌گویند این می‌تواند از طریق مدیریت محتوا و فرایند تصمیم‌های راهبردی بر رشد،



اتخاذ مکانیزم های رهبری و توسط در نظر گرفتن پارامترهای تاثیر اجتماعی در راستای سوددهی اقتصادی اتفاق افتد. پیشنهاد می کنیم که فرصتی برای شرکت ها وجود دارد که گزارش شان و بازاریابی شیوه های پایداری اجتماعی برای سهامداران را مقدور سازد. این به نوبه خود می تواند به سرمایه گذاری بر این عملکرد فزاینده و شهرت پایداری شرکت کمک کند.

روی هم رفته، یافته های ما حاکی از آن است که مقیاس مدیریت پایدار جدید ساختار به عنوان هر روش در این مطالعه است و اینکه این ساختار تاثیرات مثبت مستقیمی بر پایداری اجتماعی، شهرت و عملکرد مالی دارد. نتایج به توجیه نیاز برای حرفه ای های پایداری و مدیریت از اصول سنتی جهت سرمایه گذاری بر پایداری کمک می کند. اما، تاثیرات عملکرد پایداری اجتماعی و شهرت بر تغییر سازمانی و خط مبنای ادغام پویا تر، مشخص نیست.

### محدودیت ها و تحقیقات آینده

محدودیت های این تحقیق شامل تبعیض شرکت بزرگ، مقیاس های عملکرد مالی و توسعه ساختارهای صرفه جو است. تبعیضی در تعمیم این مطالعه به سمت سازمان های جهانی بزرگ وجود دارد. تحلیل ما بر کمپانی های Fortune500 از اقتصادهای توسعه یافته متمرکز است. به طور برابر برای انجام مطالعات در میان سازمان های کوچک و متوسط مهم است و شیوه ها و پیامدها را برای کمپانی های بزرگ تر مقایسه می کند. تحقیقات آتی را پیشنهاد می کنیم که باید صنعت متعدد و چشم انداز شرکت را برای ارزیابی تاثیر شیوه های پایدار در سازمان های سودده و شرکت های در حال ظهور هیبرید B توسعه دهند. تحقیقات آتی را تشویق می کنیم که تاثیر مدیریت پایداری بر پیشرفت کمپانی ها به سمت پایداری اجتماعی و شهرت در اقتصادهای در حال توسعه را نشان دهند. به همین نحو، تحقیقات آتی باید بررسی کنند چگونه شرکت های کوچک و متوسط به همراه سازمان های غیرسودی توسعه پایدار را درک می کنند، چه روش هایی برای بررسی مدیریت پایدار مناسب است. از اهمیت اصلی که باید بررسی شود این است که چگونه این سازمان ها را ارزیابی باید کرد زیرا شاخص های عملکرد پایدار شان می تواند از موارد استفاده شده در سازمان های بین المللی سود آورد در این مطالعه متفاوت باشد.

در حالیکه یک سمت تصویر عملکرد مالی را اندازه گیری کردیم (مقیاس های حسابداری سنتی)، مدل بهبود بالقوه در ارزش بازار را از عملکرد پایدار اجتماعی بررسی نمی کند. این محدودیت بالقوه از متغیر مستقل باید در تحقیقات آتی در نظر گرفته شود. با نگرستن به ارزش هایی مانند ارزیابی ارزش بازار که بر درک بازار مالی شرکت متمرکز است می توانیم به ارزیابی تاثیر عملکرد پایداری اجتماعی و شهرت در مورد چگونگی ارزش بازار مالی بر چنین تلاش هایی تمرکز کنیم. استفاده از ارزیابی ارزش بازار به عنوان متغیر وابسته ممکن است بینشی در این مورد فراهم کند که چگونه پایداری اجتماعی و شهرت درک سرمایه گذاران در بازارهای مالی را فراهم می کند.

تمرکز این مطالعه عملیاتی کردن عملکرد پایداری اجتماعی از شرکت های نمونه است و به شدت معتقدیم که دولت و مقیاس های افشا اجتماعی پروکسی های معتبری برای اندازه گیری عملکرد پایداری اجتماعی سازمان ها است. با این وجود، نیاز را شناسایی می کنیم و تحقیقاتی در این زمینه پیشنهاد می کنیم که باید دیگر متغیرها را به عنوان پروکسی برای عملکرد پایداری اجتماعی و توسعه مداوم این ساختار بررسی کند.

مطالعه ما شیوه های مدیریت پایداری و عناصر پایداری اجتماعی بعدی را جمع کرده است و یک رویکرد صرفه جویانه برای اندازه گیری ساختارها و توسعه مدل در نظر گرفته است. کارهای آتی در این زمینه برای تحلیل فهرست گسترده از پایداری اجتماعی با نمونه های بزرگ تر مانند بررسی سال های متعدد بعد از رکود مورد نیاز است. مهم است که ارزش مسیر گسترده ی شیوه ها با نمونه های بزرگ تر، هزینه هایشان، و بهره عملکرد مالی، زیست محیطی و اجتماعی شان بررسی شود چرا که بیش از صد مقیاس ESG در رهنمود ها گزارش GRI وجود دارد. این مقیاس پویا و مدل سازی در آینده را مقدر می سازد.

می خواهیم تحقیقات آتی و بررسی شیوه های پایداری اجتماعی شرکت های نمونه را تشویق کنیم. تحقیقات آتی که سعی در شناسایی پیش بینی کننده های تراکم شرکت برای عملکرد اجتماعی دارند باید با سازه های اساسی شناسایی شده در این تحقیق آغاز شوند. تحقیق مداوم به دنبال حضور روابط میانجی در بخش های صنعت، یا در مطالعات چندروشی می باشد که شامل داده های اولیه و ثانویه است که شامل تحقیقات مبتنی بر زمینه است. نیاز است که تحقیق بیشتری انجام دهیم تا تاثیرات غیرمستقیم از پایداری و شهرت را درک کنیم همانطور که به سمت درک ارزش مشترک کار می کنیم. با سرمایه گذاری ابعاد پایداری اجتماعی شرکت ها و

روابط شان نسبت به عملکرد کلی، خواهیم توانست دانش و درک شیوه‌های پایداری اجتماعی را ارتقا دهیم در حالیکه این دانش‌ها را با شیوه‌ها و آموزه‌های مدیریت ادغام می‌کنیم. تحقیقات آتی باید ادغام رابطه عملکرد اجتماعی/مالی را با بررسی ارزش مزیت اجتماعی جهت پیشبرد مسیر آزمون و قدرت این روابط برای دیگر متغیرهای عملکرد مدیریت و ساختارها بررسی کند.

### نتیجه گیری

تعداد کم اما فزاینده‌ای از مطالعات در مورد پایداری وجود دارد که عملکرد پایداری اجتماعی را در نظر می‌گیرد. می‌خواستیم که دو سوال کلی را بررسی کنیم که چگونه می‌توانیم ابعاد متعدد پایداری را عملیاتی کنیم و اینکه آیا عملکرد اجتماعی به نویدهای داده شده از سمت آن بستگی دارد؟ در پاسخ به این پرسش‌ها سهم این مطالعه شامل اعتبارسنجی عملیاتی کردن و تجربی است که مدیریت پایداری، عملکرد پایداری اجتماعی و ساختارهای شهرت پایداری را اندازه‌گیری می‌کند. کمپانی‌های Fortune500 را در این مطالعه برای مجموعه گسترده ابتکارات پایداری در نظر گرفتیم که شامل شیوه‌های اجتماعی و زیست محیطی می‌شود. یکی از نقاط قدرت مطالعه ما استفاده از منابع متعدد و سال‌های داده‌های برای تحلیل مان است.

پیامدهای این مطالعه اهمیت مدیریت شیوه‌های پایداری و عملکرد پایداری اجتماعی مرتبط را بررسی می‌کند. روابط مستقیم معناداری بین ساختارهای جدید شامل مدیریت پایداری، پایداری اجتماعی می‌یابیم که به نویدهای داده شده از آن سمت بستگی دارد. روابط معناداری بین پایداری و شهرت معنادار در راستای پایداری اجتماعی و عملکرد مالی نمی‌یابیم.

بینش‌های دیگر شامل تصمیم‌گیرندگان و دیگر سهامداران نیاز است که ارزش در بهبود عملکرد سازمانی را از طریق مدیریت شیوه‌های پایداری و عملکرد پایداری اجتماعی بیابند. بدون درک این شیوه‌ها، اعتمادی در سرمایه‌گذاری در پایداری اجتماعی ندارند. پیشنهاد می‌کنیم که عملکرد مالی نباید تنها عامل در نظر گرفته شده به هنگام ارزیابی عملکرد سازمانی در رابطه با پایداری اجتماعی باشد. هم‌اکنون که قیاس‌های عملکرد رهبری و اجتماعی برای شرکت‌های عموم و سازمان‌های هیبرید مانند شرکت‌های B معروف شد، فرصت‌های مداومی برای تحقیقات آتی و توسعه ساختار شامل پایداری اجتماعی، شهرت و عملکرد وجود دارد.

پیش بینی می کنیم که حسابداری کنونی و مقیاس های مالی نباید نشانگر عملکرد دقیق برای شیوه های پایداری در آینده باشد. در نتیجه، به دنبال ارزش یابی جامع از پیامدهای ESG در گزارش ادغام شده هستیم. مدیران می توانند به دنبال جایگزین هایی برای مقیاس های مالی سنتی برای بدست آوردن عملکردهای شرکت باشند. جایگزین ها در رهنمودهای مادیگرایی مانند GRI و هیئت استاندارد حسابداری پایدار است. مدیران م ی توانند با کیفیت و عملکرد رزست خیطی تاثیرات هزینه را از برنامه های پایدار بدست آوردند تا ROI بهتری از ابتکارهای پایداری اجتماعی جدید داشته باشند.

### سهم نظری

علازمه توسعه های اخیر در ادبیات پایداری اجتماعی، تاثیرات مدیریت پایداری و شهرت پایداری بر عملکرد پایداری اجتماعی بحث برانگیز و کمیاب است. پرسشی که همواره در این بحث ها در مورد شهرت پایداری رخ می دهد این است که آیا شهرت پایداری تاثیر علی ای بر عملکرد مالی شرکت دارد؟ برای کمک به پاسخ به این پرسش، از منابع داده های متعدد برای بررسی اثرات مدیریت پایداری بر شهرت پایداری، عملکرد پایداری اجتماعی و عملکرد مالی داریم. برخلاف مطالعاتی که یک آیتم را ارزیابی می کردند، رویکرد انجام شده در این مطالعه اجازه ی بررسی روابط پایداری اجتماعی را با استفاده از مقیاس های متعدد می دهد. نتایج بینش پویا و سهمی برای نظریه سهامداران شرکت در ایجاد زمینه ی پایداری و مدیریت فراهم می کند. روابط ممکن مرتبط با مدیریت پایداری سطح شرکت را برای پیامدهای مالی فراهم می کنیم. این مکانیزم های اساسی در ادبیات پیشینه کنونی بسیار کم هستند و هیچ مطالعه تجربی دیگر وجود ندارد که اثرات مدیریت پایداری را از طریق عملکرد پایداری و شهرت پایداری بر عملکرد مالی شرکت در نظر گیرد.

### مفاهیم مدیرانه

مهم است که توسعه و ساختارها و یافته ها در این مطالعه را به عنوان مدیریت شیوه های پایداری که به صورت مثبت عملکرد پایداری اجتماعی را تحت تاثیر قرار می دهند تصدیق کنیم. اما فقدان پایداری اجتماعی که عملکرد مالی شرکت و شهرت را تحت تاثیر قرار می دهد نشان دهنده ی نیاز برای ارتباط فزاینده و درک شیوه های پایداری اجتماعی است. ارتباط باید شامل سهامداران بیرونی و درونی، زنجیره ارزش و مشتریان هدف باشد. نتایج این مطالعه باید مدیران را تشویق کند تا مقیاس های عملکرد اجتماعی و استانداردهای موجود در سیستم

های مدیریت را در نظر گیرند که شامل سیاست های برنامه ریزی، رهبری، تصمیم گیری، اجرا، و ارتباط می باشد تا اینکه بتوانند عملکرد پایداری اجتماعی را بهبود بخشند و ادغام کنند.

## References

- Adam, E. E., Corbett, L. M., Flores, B. E., Harrison, N. J., Lee, T. S., Rho, B. H., . . . Westbrook, R. (1997). An international study of quality improvement approach and firm performance. *International Journal of Operations & Production Management*, 17, 842-873.
- The Adventure Capitalists. (2014, May 23). *Defining a company's environmental, social, and governance (ESG) score: Measuring the best and the worst*. Retrieved from <http://3blmedia.com/News/Defining-Companies-Environmental-Social-and-Governance-ESG-Score-Measuring-Best-and-Worst>
- Aitchison, J., & Brown, J. A. C. (1957). *The lognormal distribution with special reference to its uses in economics*. Cambridge, England: Cambridge University Press.
- Albuquerque, P., Bronnenberg, B. J., & Corbett, C. J. (2007). A spatiotemporal analysis of the global diffusion of ISO 9000 and ISO 14000 certification. *Management Science*, 53, 451-468.
- Alexander, G. J., & Buchholz, R. A. (1978). Corporate social responsibility and stock market performance. *Academy of Management Journal*, 21, 479-486.
- Amato, C. H., & Amato, L. H. (2011). Corporate commitment to global quality of life issues: Do slack resources, industry affiliations, and multinational headquarters matter? *Business & Society*, 50, 388-407.
- Amit, R., & Schoemaker, P. J. (1993). Strategic assets and organizational rent. *Strategic Management Journal*, 14, 33-46.
- Anderson, J. C., & Gerbing, D. W. (1988). Structural equation modelling in practice: A review and recommended two-step approach. *Psychological Bulletin*, 103, 411-423.
- Angelidis, J. P., Massetti, B. L., & Magee-Egan, P. (2008). Does corporate social responsibility orientation vary by position in the organizational hierarchy? *Review of Business*, 28(3), 23-32.
- Anwar, S. (2000). Integrating ISO 14001 into a quality management system. *Quality Press*, 33(8), 114.
- Bagozzi, R. P., & Yi, Y. (1988). On the evaluation of structural equation models. *Journal of the Academy of Marketing Science*, 16(1), 74-94.
- Baldrige National Quality Program (2009). *2009-2010 Criteria for Performance Excellence*. Gaithersburg, MA: National Institute of Standards and Technology.
- Barney, J. (1991). Firm resources and sustained competitive advantage. *Journal of Management*, 17, 99-120.
- Bebbington, J., Larrinaga, C., & Moneva, J. M. (2008). Corporate social reporting and reputation risk management. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 21, 337-361.
- Belal, A. R., & Roberts, R. W. (2010). Stakeholders' perceptions of corporate social reporting in Bangladesh. *Journal of Business Ethics*, 97, 311-324.
- Bennett, R., & Kottasz, R. (2000). Practitioner perceptions of corporate reputation: An empirical investigation. *Corporate Communications: An International Journal*, 5, 224-235.
- Bomberg, E. (2001). Profile—The US Presidential Election: Implications for environmental policy. *Environmental Politics*, 10, 115-121.
- Borgers, A., Derwall, J., Koedijk, K., & Ter Horst, J. (2015). Do social factors influence investment behavior and performance? Evidence from mutual fund holdings. *Journal of Banking & Finance*, 60, 112-126.
- Boutilier, R. (2017). *Stakeholder politics: Social capital, sustainable development, and the corporation*. New York, NY: Routledge.
- Bower, J. L., & Paine, L. S. (2017). The error at the heart of corporate leadership. *Harvard Business Review*, 95(3), 50-60.
- Brammer, S., & Millington, A. (2008). Does it pay to be different? An analysis of the relationship between corporate social and financial performance. *Strategic Management Journal*, 29, 1325-1343.
- Branco, M. C., & Rodrigues, L. L. (2006). Corporate social responsibility and resource-based perspectives. *Journal of Business Ethics*, 69, 111-132.
- Broman, G. L., & Robèrt, K. H. (2017). A framework for strategic sustainable development. *Journal of Cleaner Production*, 140, 17-31.

- Brown, S. P. (1996). A meta-analysis and review of organizational research on job involvement. *Psychological Bulletin*, *120*, 235-255.
- Brown, D. L., Guidry, R. P., & Patten, D. M. (2010). Sustainability reporting and perceptions of corporate reputation: An analysis using *Fortune* most admired scores. *Advances in Environmental Accounting & Management*, *4*, 83-104.
- Brown, H. S., De Jong, M., & Levy, D. L. (2009). Building institutions based on information disclosure: Lessons from GRI's sustainability reporting. *Journal of Cleaner Production*, *17*, 571-580.
- Brown, K. A., Willis, P. G., & Prussia, G. E. (2000). Predicting safe employee behavior in the steel industry: Development and test of a sociotechnical model. *Journal of Operations Management*, *18*, 445-465.
- Brundtland, G. H. (1987). *Our common future: Report of the 1987 World Commission on Environment and Development*. Oslo, Norway: United Nations World Commission on Environment and Development.
- Caillibot, P. (1999). What there saying about standards: integration of ISO 14000 and 9000. *Quality Progress*, *32*(7), 29.
- Carroll, A. B. (1994). Social issues in management research experts' views, analysis, and commentary. *Business & Society*, *33*, 5-29.
- Carroll, A. B. (1998). The four faces of corporate citizenship. *Business and Society Review*, *100*(1), 1-7.
- Carroll, A. B. (1999). Corporate social responsibility evolution of a definitional construct. *Business & Society*, *38*, 268-295.
- Cassel, C. M., Hackl, P., & Westlund, A. H. (2000). On measurement of intangible assets: A study of robustness of partial least squares. *Total Quality Management*, *11*, 897-907.
- Chatelin, Y. M., Vinzi, V. E., & Tenenhaus, M. (2002). *State-of-art on PLS path modeling through the available software* (HEC Research Paper Series CR 764). Jouy-en-Josas, France: HEC Paris.
- Chin, W. W. (1998). Commentary: Issues and opinion on structural equation modeling. *MIS Quarterly*, *22*(1), 7-16.
- Chin, W. W., & Gopal, A. (1995). Adoption intention in GSS: relative importance of beliefs. *Database for Advances in Information Systems*, *26*(2), 42-63.
- Chin, W. W., & Newsted, P. R. (1999). Structural equation modeling analysis with small samples using partial least squares. In R. H. Hoyle (Ed.), *Statistical strategies for small sample research* (pp. 307-342). Thousand Oaks, CA: Sage.
- Cochran, P. L., & Wood, R. A. (1984). Corporate social responsibility and financial performance. *Academy of Management Journal*, *27*(1), 42-56.
- Coldwell, D. A., Billsberry, J., Van Meurs, N., & Marsh, P. J. (2008). The effects of person-organization ethical fit on employee attraction and retention: Towards a testable explanatory model. *Journal of Business Ethics*, *78*, 611-622.
- Corbett, C. J., & Kirsch, D. A. (2001). International diffusion of ISO 14000 certification. *Production and Operations Management*, *10*, 327-342.
- Cordeiro, J. J., & Tewari, M. (2015). Firm characteristics, industry context, and investor reactions to environmental CSR: A stakeholder theory approach. *Journal of Business Ethics*, *130*, 833-849.
- Cornell, B., & Shapiro, A. C. (1987). Corporate stakeholders and corporate finance. *Financial Management*, *16*(1), 5-14.
- Curkovic, S., & Sroufe, R. (2011). Using ISO 14001 to promote a sustainable supply chain strategy. *Business Strategy and the Environment*, *20*(2), 71-93.
- Daily, B. F., & Huang, S. C. (2001). Achieving sustainability through attention to human resource factors in environmental management. *International Journal of Operations & Production Management*, *21*, 1539-1552.
- Darnall, N., Jolley, G. J., & Handfield, R. (2008). Environmental management systems and green supply chain management: Complements for sustainability? *Business Strategy and the Environment*, *17*(1), 30-45.
- Datta, P., Gopalakrishna-Remani, V., & Bozan, K. (2015). The impact of sustainable governance and practices on business performance: an empirical investigation of global firms. *International Journal of Sustainable Society*, *7*, 97-120.
- De Jong, S. (1993). SIMPLS: An alternative approach to partial least squares regression. *Chemometrics and Intelligent Laboratory Systems*, *18*, 251-263.
- Deming, W. E., (1986). *Out of the Crisis*, Massachusetts Institute for Technology. *Center for Advanced Engineering Study, Cambridge, MA.*

- Deng, X., Kang, J. K., & Low, B. S. (2013). Corporate social responsibility and stakeholder value maximization: Evidence from mergers. *Journal of Financial Economics*, *110*, 87-109.
- DesJardins, J. (2016). Is it time to jump off the sustainability bandwagon? *Business Ethics Quarterly*, *26*, 117-135.
- Disterheft, A., Caeiro, S., Azeiteiro, U. M., & Leal Filho, W. (2015). Sustainable universities—A study of critical success factors for participatory approaches. *Journal of Cleaner Production*, *106*, 11-21.
- Doh, J. P., Howton, S. D., Howton, S. W., & Siegel, D. S. (2010). Does the market respond to an endorsement of social responsibility? The role of institutions, information, and legitimacy. *Journal of Management*, *36*, 1461-1485.
- Dorfleitner, G., Utz, S., & Wimmer, M. (2013, October). *Where and when does it pay to be good? A global long-term analysis of ESG investing*. Paper presented at the 26th Australasian Finance and Banking Conference, Sydney, New South Wales, Australia.
- Dreyer, L., Hauschild, M., & Schierbeck, J. (2006). A framework for social life cycle impact assessment. *International Journal of Life Cycle Assessment*, *11*(2), 88-97.
- Eccles, R. G., & Saltzman, D. (2011). Achieving sustainability through integrated reporting. *Stanford Social Innovation Review*, *9*(3), 56-61.
- Economist*. (1994, June 19). Brand new day. 71-72.
- Economist*. (2009). Corporate social responsibility. A stress test for good intentions. Retrieved from <http://www.economist.com/node/13648978>
- Elkington, J. (1994). Towards the suitable corporation: win-win-win business strategies for sustainable development. *California Management Review*, *36*, 90-100.
- Elkington, J. (1997). *Cannibals with forks. The triple bottom line of 21st century business*. Oxford, England: Capstone.
- Elkington, J., & Kuszewski, J. (2002). *Trust us: The Global Reporters 2002 Survey of Corporate Sustainability*. London, England: UNEP/SustainAbility.
- Ellinger, A. D., Ellinger, A. E., Yang, B., & Howton, S. W. (2002). The relationship between the learning organization concept and firms' financial performance: An empirical assessment. *Human Resource Development Quarterly*, *13*(1), 5-22.
- Epstein, M. J. (2004). The identification, measurement and reporting of corporate social impacts: Past, present and future. *Advances in Environmental Accounting & Management*, *2*(1), 1-29.
- Epstein, M. J., & Buhovac, A. R. (2014). *Making sustainability work: Best practices in managing and measuring corporate social, environmental, and economic impacts*. San Francisco, CA: Berrett-Koehler.
- Epstein, M. J., & Roy, M. J. (2001). Sustainability in action: Identifying and measuring the key performance drivers. *Long Range Planning*, *34*, 585-604.
- Eriksson, L., Hermens, J. L., Johansson, E., Verhaar, H. J., & Wold, S. (1995). Multivariate analysis of aquatic toxicity data with PLS. *Aquatic Sciences*, *57*, 217-241.
- Esch, D. N. (2010). Non-normality facts and fallacies. *Journal of Investment Management*, *8*(1), 49-61.
- Field, A. (2009). *Discovering statistics using SPSS* (3rd ed.). London, England: Sage.
- Figge, F., Hahn, T., Schaltegger, S., & Wagner, M. (2002). The sustainability balanced scorecard—Linking sustainability management to business strategy. *Business Strategy and the Environment*, *11*, 269-284.
- Filbeck, G., Gorman, R., & Zhao, X. (2009). The "best corporate citizens": Are they good for their shareholders? *Financial Review*, *44*, 239-262.
- Flammer, C. (2015). Does corporate social responsibility lead to superior financial performance? A regression discontinuity approach. *Management Science*, *61*, 2549-2568.
- Flynn, B. B., Schroeder, R. G., & Sakakibara, S. (1995). The impact of quality management practices on performance and competitive advantage. *Decision Sciences*, *26*, 659-691.
- Fombrun, C., & Van Riel, C. (1997). The reputational landscape. *Corporate Reputation Review*, *1*(1), 5-13.
- Fombrun, C. J., Gardberg, N. A., & Barnett, M. L. (2000). Opportunity platforms and safety nets: Corporate citizenship and reputational risk. *Business and Society Review*, *105*(1), 85-106.
- Formentini, M., & Taticchi, P. (2016). Corporate sustainability approaches and governance mechanisms in sustainable supply chain management. *Journal of Cleaner Production*, *112*, 1920-1933.
- Fornell, C., & Bookstein, F. L. (1982). Two structural equation models: LISREL and PLS applied to consumer exit-voice theory. *Journal of Marketing Research*, *19*, 440-452.
- Fornell, C., & Cha, J. (1994). Partial least squares. *Advanced Methods of Marketing Research*, *407*, 52-78.
- Fornell, C., & Larcker, D. F. (1981). Structural equation models with unobservable variables and measurement error: Algebra and statistics. *Journal of Marketing Research*, *18*, 382-388.
- Franceschini, L. (2015). *Rising leaders on environmental sustainability and climate change: A global survey of business students*. New Haven, CT: Yale Center for Business and the Environment, Global Network for Advanced Management, and World Business Council for Sustainable Development. Retrieved from [http://cbey.yale.edu/sites/default/files/Rising%20Leaders%20on%20Environmental%20Sustainability%20and%20Climate%20Change%20Nov\\_2015.pdf](http://cbey.yale.edu/sites/default/files/Rising%20Leaders%20on%20Environmental%20Sustainability%20and%20Climate%20Change%20Nov_2015.pdf)

- Friedman, M. (1970). The social responsibility of business is to increase profits. *The New York Times Magazine*. September 13.
- Fuertes, A. M., Miffre, J., & Tan, W. H. (2009). Momentum profits, nonnormality risks and the business cycle. *Applied Financial Economics*, *19*, 935-953.
- Fung, A., Graham, M., & Weil, D. (2007). *Full disclosure: The perils and promise of transparency*. New York, NY: Cambridge University Press.
- Gallego-Álvarez, I., Segura, L., & Martínez-Ferrero, J. (2014). Carbon emission reduction: The impact on the financial and operational performance of international companies. *Journal of Cleaner Production*, *103*, 149-159.
- Gjølberg, M. (2009). Measuring the immeasurable? Constructing an index of CSR practices and CSR performance in 20 countries. *Scandinavian Journal of Management*, *25*(1), 10-22.
- Global Reporting Initiative. (2002). *Sustainability reporting guidelines*. Amsterdam, Netherlands: Author.
- Global Reporting Initiative. (2017). *Sustainability disclosure database*. Retrieved from <http://database.globalreporting.org/>
- Guenster, N., Bauer, R., Derwall, J., & Koedijk, K. C. G. (2011). The economic value of corporate eco-efficiency. *European Financial Management*, *17*, 679-704.
- Hall, R. (1993). A framework linking intangible resources and capabilities to sustainable competitive advantage. *Strategic Management Journal*, *14*, 607-618.
- Hair, J. F., Ringle, C. M., & Sarstedt, M. (2011). PLS-SEM: Indeed a silver bullet. *Journal of Marketing Theory and Practice*, *19*, 139-152.
- Hair, J. F., Sarstedt, M., Ringle, C. M., & Mena, J. A. (2012). An assessment of the use of partial least squares structural equation modeling in marketing research. *Journal of the Academy of Marketing Science*, *40*, 414-433.
- Hasan, I., Kobeissi, N., Liu, L., & Wang, H. (2016). Corporate social responsibility and firm financial performance: The mediating role of productivity. *Journal of Business Ethics*. Advance online publication. doi:10.1007/s10551-016-3066-1
- Hoyle, M. H. (1973). Transformations—An introduction and a bibliography. *International Statistical Review*, *41*, 203-223.
- Hoyle, R. H. (Ed.). (1995). *Structural equation modeling: Concepts, issues, and applications*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Hutchins, M. J., & Sutherland, J. W. (2008). An exploration of measures of social sustainability and their application to supply chain decisions. *Journal of Cleaner Production*, *16*, 1688-1698.
- Hwang, H., Malhotra, N. K., Kim, Y., Tomiuk, M. A., & Hong, S. (2010). A comparative study on parameter recovery of three approaches to structural equation modeling. *Journal of Marketing Research*, *47*, 699-712.
- ISO. (2004, April 30). *Working Report on Social Responsibility* (ISO Advisory Group on Social Responsibility). Geneva, Switzerland: International Organization for Standardization. Retrieved from [http://iso26000.jsa.or.jp/\\_files/doc/2004/sagreport\\_eng.pdf](http://iso26000.jsa.or.jp/_files/doc/2004/sagreport_eng.pdf)
- Jayachandran, S., Kalaignanam, K., & Eilert, M. (2013). Product and environmental social performance: Varying effect on firm performance. *Strategic Management Journal*, *34*, 1255-1264.
- Jeffers, A. E., & DeGaetano, L. A. (2013). Is there a relationship between sustainability (green) initiatives and a company's value. *International Journal of Data Analysis and Information Systems*, *5*, 105-116.
- Jick, T. D. (1979). Mixing qualitative and quantitative methods: Triangulation in action. *Administrative Science Quarterly*, *24*, 602-611.
- Johnson, M. D. (2006). *The effect of workload on individual and team learning: Affect and performance* (Doctoral dissertation). Michigan State University, East Lansing.
- Johnson, R. A., & Greening, D. W. (1999). The effects of corporate governance and institutional ownership types on corporate social performance. *Academy of Management Journal*, *42*, 564-576.
- Jørgensen, A. L., & Knudsen, J. S. (2006). Sustainable competitiveness in global value chains: How do small Danish firms behave? *Corporate Governance*, *6*, 449-462.
- Juravle, C., & Lewis, A. (2009). The role of championship in the mainstreaming of sustainable investment (SI): What can we learn from SI pioneers in the United Kingdom? *Organization & Environment*, *22*, 75-98.
- Kell, G. (2013). 12 years later reflections on the growth of the UN Global Compact. *Business & Society*, *52*(1), 31-52.
- Khan, A., Muttakin, M. B., & Siddiqui, J. (2013). Corporate governance and corporate social responsibility disclosures: Evidence from an emerging economy. *Journal of Business Ethics*, *114*, 207-223.
- Klassen, R. D., & McLaughlin, C. P. (1996). The impact of environmental management on firm performance. *Management Science*, *42*, 1199-1214.
- Kleindorfer, P. R., Singhal, K., & Wassenhove, L. N. (2005). Sustainable operations management. *Production and Operations Management*, *14*, 482-492.
- Klettner, A., Clarke, T., & Boersma, M. (2014). The governance of corporate sustainability: Empirical insights into the development, leadership and implementation of responsible business strategy. *Journal of Business Ethics*, *122*, 145-165.
- Kolk, A. (2005a). Environmental reporting by multinationals from the triad: Convergence or divergence? *Management International Review*, *45*, 145-166.



- Kolk, A. (2005b). Sustainability reporting. *VBA Journal*, 21(3), 34-42.
- Kouikoglou, V. S., & Phillis, Y. A. (2011). Application of a fuzzy hierarchical model to the assessment of corporate social and environmental sustainability. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, 18, 209-219.
- Labuschagne, C., Brent, A. C., & Van Erck, R. P. (2005). Assessing the sustainability performances of industries. *Journal of Cleaner Production*, 13, 373-385.
- Lin, B., Jeffers, A. E., Romero, S., & DeGaetano, L. A. (2015). Sustainability (green) initiatives and company's value-an examination of S&P 500 US companies. *International Journal of Society Systems Science*, 7, 181-197.
- Littig, B., & Griessler, E. (2005). Social sustainability: A catchword between political pragmatism and social theory. *International Journal of Sustainable Development*, 8(1), 65-79.
- Lopatta, K., Buchholz, F., & Kaspereit, T. (2016). Asymmetric information and corporate social responsibility. *Business & Society*, 55, 458-488.
- Lowry, P. B., & Gaskin, J. (2014). Partial least squares (PLS) structural equation modeling (SEM) for building and testing behavioral causal theory: When to choose it and how to use it. *IEEE Transactions on Professional Communication*, 57, 123-146.
- Luo, X., Wang, H., Raithel, S., & Zheng, Q. (2015). Corporate social performance, analyst stock recommendations, and firm future returns. *Strategic Management Journal*, 36, 123-136.
- Lyon, T. P., & Shimshack, J. P. (2012). Environmental disclosure: Evidence from Newsweek's Green Companies rankings. *Business & Society*, 20(10), 1-44.
- Mackey, A., Mackey, T. B., & Barney, J. B. (2007). Corporate social responsibility and firm performance: Investor preferences and corporate strategies. *Academy of Management Review*, 32, 817-835.
- Marsh, H. W., Balla, J. R., & McDonald, R. P. (1988). Goodness-of-fit indexes in confirmatory factor analysis: The effect of sample size. *Psychological Bulletin*, 103, 391-410.
- Matten, D., & Moon, J. (2008). "Implicit" and "explicit" CSR: A conceptual framework for a comparative understanding of corporate social responsibility. *Academy of Management Review*, 33, 404-424.
- McGuire, J. B., Sundgren, A., & Schneeweis, T. (1988). Corporate social responsibility and firm financial performance. *Academy of Management Journal*, 31, 854-872.
- McKenzie, S. (2004). *Social sustainability: Towards some definitions*. Adelaide, South Australia, Australia: Hawke Research Institute, University of South Australia.
- McMillan, G. S., & Joshi, M. P. (1997). Part IV: How do reputations affect corporate performance? Sustainable competitive advantage and firm performance: The role of intangible resources. *Corporate Reputation Review*, 1(1), 81-85.
- Michelon, G. (2011). Sustainability disclosure and reputation: A comparative study. *Corporate Reputation Review*, 14(2), 79-96.
- Miles, M. P., & Russell, G. R. (1997). ISO 14000 total quality environmental management: The integration of environmental marketing, total quality management, and corporate environmental policy. *Journal of Quality Management*, 2, 151-168.
- Montgomery, D. B., & Ramus, C. A. (2003). *Corporate social responsibility reputation effects on MBA job choice* (Research Paper No. 1805). Stanford, CA: Graduate School of Business, Stanford University.
- Montiel, I., & Delgado-Ceballos, J. (2014). Defining and measuring corporate sustainability are we there yet? *Organization & Environment*, 27, 113-139.
- Muli, S. (2013). *Sustainability rankings: Impacts on corporate sustainability* (Doctoral dissertations; Master of Environmental Studies Capstone Projects 54). University of Pennsylvania, Philadelphia. Retrieved from [http://repository.upenn.edu/mes\\_capstones/54](http://repository.upenn.edu/mes_capstones/54)
- Muthuri, J. N., Moon, J., & Idemudia, U. (2012). Corporate innovation and sustainable community development in developing countries. *Business & Society*, 51, 355-381.
- Neville, B. A., Bell, S. J., & Mengüç, B. (2005). Corporate reputation, stakeholders and the social performance-financial performance relationship. *European Journal of Marketing*, 39, 1184-1198.
- Newsweek. (2012). *Green Rankings 2012: Frequently asked questions*. Retrieved from <http://www.newsweek.com/green-rankings-2012-frequently-asked-questions-64959>
- O'Brien, M., Doig, A., & Clift, R. (1996). Social and environmental life cycle assessment (SELCA). *International Journal of Life Cycle Assessment*, 1, 231-237.
- Orlitzky, M., Schmidt, F. L., & Rynes, S. L. (2003). Corporate social and financial performance: A meta-analysis. *Organization Studies*, 24, 403-441.
- Pallant, J. (2007). *SPSS survival manual: A step-by-step guide to data analysis using SPSS for Windows* (3rd ed.). New York, NY: McGraw-Hill, Open University Press.
- Palenberg, M., Reinicke, W., & Witte, J. M. (2006, November). *Trends in non-financial reporting*. Paper prepared for the United Nations Environment Programmes, Division of Technology, Industry and Economics (DTIE), Global Public Policy Institute, Berlin, Germany.

- Park, S. Y., & Lee, S. (2009). Financial rewards for social responsibility a mixed picture for restaurant companies. *Cornell Hospitality Quarterly*, 50, 168-179.
- Perez-Batres, L. A., Doh, J. P., Miller, V. V., & Pisani, M. J. (2012). Stakeholder pressures as determinants of CSR strategic choice: Why do firms choose symbolic versus substantive self-regulatory codes of conduct? *Journal of Business Ethics*, 110, 157-172.
- Pew Tan, H., Plowman, D., & Hancock, P. (2007). Intellectual capital and financial returns of companies. *Journal of Intellectual Capital*, 8(1), 76-95.
- Podsakoff, P. M., MacKenzie, S. B., Lee, J. Y., & Podsakoff, N. P. (2003). Common method biases in behavioral research: A critical review of the literature and recommended remedies. *Journal of Applied Psychology*, 88, 879-903.
- Porter, M. E. (1991). America's greening strategy. *Scientific American*, 264(4), 168.
- Porter, M. E., & Kramer, M. R. (2011). Creating shared value. *Harvard Business Review*, 89(1/2), 62-77.
- Prado-Lorenzo, J. M., Gallego-Álvarez, I., García-Sánchez, I. M., & Rodríguez-Domínguez, L. (2008). Social responsibility in Spain: Practices and motivations in firms. *Management Decision*, 46, 1247-1271.
- Preston, L. E., & O'Bannon, D. P. (1997). The corporate social-financial performance relationship. *Business & Society*, 36, 419-429.
- Prober, L., Meric, I., & Meric, G. (2015). Does company green score affect stock price? *Review of Business & Finance Studies*, 6(3), 11-19.
- Pullman, M. E., Maloni, M. J., & Carter, C. R. (2009). Food for thought: Social versus environmental sustainability practices and performance outcomes. *Journal of Supply Chain Management*, 45(4), 38-54.
- Qureshi, I., & Compeau, D. (2009). Assessing between-group differences in information systems research: A comparison of covariance-and component-based SEM. *MIS Quarterly*, 33, 197-214.
- Rajak, S., & Vinodh, S. (2015). Application of fuzzy logic for social sustainability performance evaluation: A case study of an Indian automotive component manufacturing organization. *Journal of Cleaner Production*, 108(Pt A), 1184-1192.
- Rao, H. (1994). The social construction of reputation: Certification contests, legitimation, and the survival of organizations in the American automobile industry: 1895-1912. *Strategic Management Journal*, 15(Suppl. 1), 29-44.
- Remmen, A., Jensen, A. A., & Frydendal, J. (2007). *Life cycle management: A business guide to sustainability*. Nairobi, Kenya: UNEP/Earthprint.
- Reid, D. R. (1999). What they're saying about standards: Integrated management standard. *Quality Progress*, 32(7), 32.
- Richardson, A. J., & Welker, M. (2001). Social disclosure, financial disclosure and the cost of equity capital. *Accounting, Organizations and Society*, 26, 597-616.
- Riordan, C. M., Gatewood, R. D., & Bill, J. B. (1997). Corporate image: Employee reactions and implications for managing corporate social performance. *Journal of Business Ethics*, 16, 401-412.
- Roberts, P. W., & Dowling, G. R. (2002). Corporate reputation and sustained superior financial performance. *Strategic Management Journal*, 23, 1077-1093.
- Royston, P. (2004). Multiple imputation of missing values. *Stata Journal*, 4, 227-241.
- Russo, M. V., & Fouts, P. A. (1997). A resource-based perspective on corporate environmental performance and profitability. *Academy of Management Journal*, 40, 534-559.
- Saeidi, S. P., Sofian, S., Saeidi, P., Saeidi, S. P., & Saeidi, S. A. (2015). How does corporate social responsibility contribute to firm financial performance? The mediating role of competitive advantage, reputation, and customer satisfaction. *Journal of Business Research*, 68, 341-350.
- Sarstedt, M. (2008). A review of recent approaches for capturing heterogeneity in partial least squares path modelling. *Journal of Modelling in Management*, 3, 140-161.
- Szekely, F., & Knirsch, M. (2005). Responsible leadership and corporate social responsibility: Metrics for sustainable performance. *European Management Journal*, 23, 628-647.
- Schafer, J. L., & Olsen, M. K. (1998). Multiple imputation for multivariate missing-data problems: A data analyst's perspective. *Multivariate Behavioral Research*, 33, 545-571.
- Schaltegger, S., & Synnestvedt, T. (2002). The link between "green" and economic success: Environmental management as the crucial trigger between environmental and economic performance. *Journal of Environmental Management*, 65, 339-346.
- Schrettle, S., Hinz, A., Scherrer-Rathje, M., & Friedli, T. (2014). Turning sustainability into action: Explaining firms' sustainability efforts and their impact on firm performance. *International Journal of Production Economics*, 147, 73-84.
- Scott, S. V., & Walsham, G. (2005). Reconceptualizing and managing reputation risk in the knowledge economy: Toward reputable action. *Organization Science*, 16, 308-322.
- Scott, W. R. (1994). Institutional analysis: Variance and process theory approaches. In W. R. Scott & J. W. Meyer & Associates (Eds.). *Institutional environments and organizations: Structural complexity and individualism* (pp. 81-99). Thousand Oaks, CA: Sage.

- Seuring, S. (2004). Integrated chain management and supply chain management comparative analysis and illustrative cases. *Journal of Cleaner Production*, 12, 1059-1071.
- Sharma, S., & Henriques, I. (2005). Stakeholder influences on sustainability practices in the Canadian forest products industry. *Strategic Management Journal*, 26, 159-180.
- Shrivastava, P. (1995). The role of corporations in achieving ecological sustainability. *Academy of Management Review*, 20, 936-960.
- Simnett, R., Vanstraelen, A., & Chua, W. F. (2009). Assurance on sustainability reports: An international comparison. *Accounting Review*, 84, 937-967.
- Simola, S. (2012). Exploring "embodied care" in relation to social sustainability. *Journal of Business Ethics*, 107, 473-484.
- Social Development. (2013). *Social sustainability and safeguards*. Washington, DC: World Bank. Retrieved from <http://go.worldbank.org/O60HPLKIP0>
- Spicer, B. H. (1978). Investors, corporate social performance and information disclosure: An empirical study. *Accounting Review*, 53, 94-111.
- Sroufe, R. (2003). Effects of environmental management systems on environmental management practices and operations. *Production and Operations Management*, 12, 416-431.
- Sroufe, R. (2017). Integration and organizational change towards sustainability. *Journal of Cleaner Production*, 162, 315-329.
- Sroufe, R., Curkovic, S., Montabon, F., & Melnyk, S. A. (2000). The new product design process and design for environment: "Crossing the chasm." *International Journal of Operations & Production Management*, 20, 267-291.
- Stout, L. A. (2012). *The shareholder value myth: How putting shareholders first harms investors, corporations, and the public*. San Francisco, CA: Berrett-Koehler.
- Swiss, J. E. (1992). Adapting total quality management (TQM) to government. *Public Administration Review*, 50, 356-362.
- Szekely, F., & Knirsch, M. (2005). Responsible leadership and corporate social responsibility: Metrics for sustainable performance. *European Management Journal*, 23, 628-647.
- Taylor, S. J., Yadav, P. K., & Zhang, Y. (2009). *Cross-sectional analysis of risk-neutral skewness* (CFR Working Paper No. 09-11). Köln, Germany: University in Cologne, Centre for Financial Research.
- Tenenhaus, M., Vinzi, V. E., Chatelin, Y. M., & Lauro, C. (2005). PLS path modeling. *Computational Statistics & Data Analysis*, 48, 159-205.
- Tietenberg, T. (1998). Disclosure strategies for pollution control. *Environmental and Resource Economics*, 11, 587-602.
- Ullmann, A. A. (1985). Data in search of a theory: A critical examination of the relationships among social performance, social disclosure, and economic performance of US firms. *Academy of Management Review*, 10, 540-557.
- United Nations Life Cycle Initiative. (2001). Retrieved from <http://www.unep.fr/pc/sustain/lcinitiative/home.htm>
- Vickery, S. K., Jayaram, J., Droge, C., & Calantone, R. (2003). The effects of an integrative supply chain strategy on customer service and financial performance: An analysis of direct versus indirect relationships. *Journal of Operations Management*, 21, 523-539.
- Waddock, S. A., & Graves, S. B. (1997). The corporate social performance. *Strategic Management Journal*, 8, 303-319.
- Wagner, M. (2007). Integration of environmental management with other managerial functions of the firm: Empirical effects on drivers of economic performance. *Long Range Planning*, 40, 611-628.
- Walley, N., & Whitehead, B. (1994). It's not easy being green. *Harvard Business Review*, 72(3), 46-52.
- Wang, Z., & Sarkis, J. (2013). Investigating the relationship of sustainable supply chain management with corporate financial performance. *International Journal of Productivity and Performance Management*, 62, 871-888.
- Wicks, A. C. (2001). The value dynamics of total quality management: Ethics and the foundations of TQM. *Business Ethics Quarterly*, 11, 501-535.
- Willman, J. (2008). Stormy times ahead for responsibility agenda. *The Financial Times*. Retrieved from <http://www.ft.com/cms/s/0/807fa3aa-4a47-11dd-891a-000077b07658.html#axzz3CxEPzBb>
- Wiley, M. G., & Zald, M. N. (1968). The growth and transformation of educational accrediting agencies: An exploratory study in social control of institutions. *Sociology of Education*, 41(1), 36-56.
- Wilkinson, A., Hill, M., & Gollan, P. (2001). The sustainability debate. *International Journal of Operations & Production Management*, 21, 1492-1502.
- Willard, B. (2005). *The next sustainability wave: Building boardroom buy-in*. Gabriola Island, British Columbia, Canada: New Society.
- Wong, K. K. K. (2013). Partial least squares structural equation modeling (PLS-SEM) techniques using SmartPLS. *Marketing Bulletin*, 24(1), 1-32.
- Yilmaz, I. (2016). Social performance vs. financial performance: CSR disclosures as an indicator of Social Performance. *International Journal of Finance & Banking Studies* (2147-4486), 2(2), 53-65.
- Zhao, X., & Murrell, A. (2016). Revisiting the corporate social performance-financial performance link: A replication of Waddock and Graves. *Strategic Management Journal*, 37, 2378-2388.
- Zhu, Q., Sarkis, J., & Lai, K. H. (2008). Confirmation of a measurement model for green supply chain management practices implementation. *International Journal of Production Economics*, 111, 261-273.
- Zollo, M., Cennamo, C., & Neumann, K. (2013). Beyond what and why understanding organizational evolution towards sustainable enterprise models. *Organization & Environment*, 26, 241-259.



این مقاله، از سری مقالات ترجمه شده رایگان سایت ترجمه فا میباشد که با فرمت PDF در اختیار شما عزیزان قرار گرفته است. در صورت تمایل میتوانید با کلیک بر روی دکمه های زیر از سایر مقالات نیز استفاده نمایید:

لیست مقالات ترجمه شده ✓

لیست مقالات ترجمه شده رایگان ✓

لیست جدیدترین مقالات انگلیسی ISI ✓

سایت ترجمه فا ؛ مرجع جدیدترین مقالات ترجمه شده از نشریات معتبر خارجی